

است ولی ردش موثر نامنظوری روس تواند گردید
(۱۰ جنوری - ۸ محرم)

اخبار (ویشی زیتانک) برلن بر مقاله اساسی
دیلی تلگراف که منبأ اتحاد آلمان و انگلیس نگاشته
بود چنین می نویسد که معاهده بین روس و آلمان
برقرار گردیده، و ازین و بعد دولت انگلیس هیچوجه
نمی تواند مانع پیشرفت ترقی راه آهن بغداد بشود
و هیچوجه آخرین حصه راه آهن بغداد به حفاظت
و اختیار انگلیس گذارده نخواهد شد، اگر دولت
انگلیس باز هم مانع زایشی کند دولت آلمان
می داند چگونه بر سر دولت انگلیس استیلا جست
مقاصد خویش را از پیش به برد

بموجب تلگرافات پاریس پس از اشاعه مواد
عهدنامه آلمان و روس خیلی موثر بحث عمومی
شده، روزنامه طمس پاریس آخرین نتیجه مباحثات
خود را چنین ظاهر میدارد که این معاهده هیچگونه
خللی در ائتلاف و ائتلافات موجوده دول پیدا نمی نماید
از اشاعه مواد معاهده روس و آلمان هیچجانی
عظیم در جوانان عثمانی پیدا شده، روزنامه های
جدت برور جوانان ترك اشاعه میدهند که اگر آلمان
منافع سیاسی عثمانی را در ایران فدای دوستی روس
نماید معلوم خواهد نمود که مخالفت با جوانان تازه
بیدار ترك چه اثرات وخیم نواند بخشد، ظاهر است
که منافع آلمان در ایران فقط بذریعه دولت عثمانی
است و بدون تأیید دولت عثمانی منافع منظور را
آلمان در ایران حاصل نتواند نمود

روزنامه طنین مینویسد که سفیر آلمان در اسلامبول
صدر اعظم عثمانی را ملاقات نموده ابقان داده است
که این معاهده هیچ وجه عایق منافع ترکی نیست و
هیچگونه آنکه بر عزت وی وارد نمی آورد و غلط
فهمی هائیکه بش آمده بود تمام را تصحیح نمود
(۱۱ جنوری - ۹ محرم)

روزنامه (فیری بریسی) چنان تصور میکند که
عهدنامه بین آلمان و انگلیس در خصوص راه آهن
بغداد تعقیب خواهد نمود همان عهدنامه روس و آلمان را
مارشک بست مینویسد که بین برلن و پترسبرگ
مخارات در ترمیم مواد عهدنامه دولتین جاری است
مظنون است ترمیماتیرا که دولتین فرانس و انگلیس
پیش نموده اند دولت روس منظور نماید و پس از

منظوری دولت روس در قبولیدن بدولت آلمان هم
کوشش خواهد شد

عموم افسران روس را عقیده این است که مسیو
(سازانوف) وزیر خارجه روس يك فتح مندی پلنگی
حاصل نموده و آن نتیجه گفتگوی پورتسدم است
دیلی نیوز لندن مینویسد که معاهده روس و
آلمان در وسط آسیا هم می نماید آخرین نقطه
دیپلماتی اتحاد تلاته را که تنها محدود بدولت روس
نیست، لذا امید است که سرادوردگری وزیر خارجه
عاجلاً اعلان نماید نتیجه اتحاد انگلیس و آلمان را
تا ظاهر شود که این معاهده منافق با اتحاد ما با
روس و فرانسه نمی باشد

(۱۲ جنوری - ۱۰ محرم)

دیلی تلگراف مینویسد که دولت روس در این
معاهده ایکه با آلمان نموده خویشتن را از اتحاد
فرانس و انگلیس کنساره برده و تبدلات بزرگ
در سیاست اروپا تولید نموده است

(۱۳ جنوری - ۱۱ محرم)

در پارلمان فرانس در ضمن بیانات خود مسیو
لوسین هاربرت اظهار داشت که معاهده روس با
آلمان اتحاد تلاته روس و انگلیس و فرانس را خنثی
گذاشته - در حقیقت رحلت اعلیحضرت ادورد
هقم صدمه عظیمی به اتحاد تلاته وارد آورد

مسیو بیچن وزیر خارجه در جواب اظهار
داشت که هیچ حادثه در اروپا پیش نیامده است که
سیاست فرانسه را آنکه دار سازد، اتحاد فرانس
و انگلیس همان قسمی که در زمان ادورد هقم بود
در عهد اعلیحضرت جارج هم باقی است و همین
قسم خللی هم در اتحاد فرانس و روس هم وارد نیامده،
واقعه پورتسدم یکی از دلائل محکم در برقراری صلح
اروپاست و هیچ جهتی نمی بیند که مخالفت نماید با
معاهده روس و آلمان، چنانچه روس مخالفت نمود
با فرانسه در مسئله مراکو در موقع اتحاد با آلمان
(مسیو جورس از وزیر خارجه پرسش نمود آیا
دولت روس بدولت فرانسه اطلاع داده بود که در خصوص
راه آهن بغداد در پورتسدم قرارنامه خواهد داد ؟
وزیر خارجه فرانس جواب داد که این مسئله
از سال ۱۹۰۷ تا درجه هر کس معلوم بود

مسیو بیچن ضمناً اظهار داشت که این امر

(۱۶ جنوری - ۱۴ محرم)

بملاحظه بفراری جوانان ترك سفير آلمان (بارن بارش وان بی برستین) دولت عثمانی را اطمینان داده که معاهده روس و انگلیس خارج از مسئله راه آهن ایران و الحاق با راه آهن بغداد نیست و آنچه در مسئله عراق اشاعت یافته تمام مبنی بر بی اطلاعی است

(۱۷ جنوری - ۱۵ محرم)

بیانات مسیو پچین در جواب وکلای پارلمان خیلی موضوع بحث جراید لندن گردیده خصوصاً این نکته که اظهار داشته بود که فرانسه قدیم ترین رکن اتحاد تلافی بشار و ازین رو نمی تواند تسلیم کند خانه چنین اتحادی را و قبول نماید که بمنافع و توقیر او از معاهده روس و آلمان ایکه وارد آمده است مسیو پچین بیان نموده است که قرار نامه پورلسدم مبنی بر راه آهن می باشد که روس مائل است در ایران به کشد و چنان معلوم می شود که آلمان بالا صاله پریش نموده است موانعی که در کشیدن چنین راه آهن در ایران پیش خواهد آمد ازین رو فرانسه هیچ وجه لازم نمی داند که اعتراضی در موضوع آن قرار نامه پیش نماید

طمس با کمال تأسف می نویسد که دولت روس در خصوص معاهده با آلمان منباب راه آهن بغداد هیچگونه مشورتی با فرانس و انگلیس نه نموده ولی ظاهراً دولت روس خود را مقید نساخته است در مورد این راه آهن بغداد ، دولت انگلیس چون اولویت روس را در شمالی ایران تسلیم نموده است از این رو نمیتواند هیچگونه اعتراضی بروس وارد آرد هرگاه دولت آلمان را مداخله در شمالی ایران بدهد دولت انگلیس تا وقتی که درین موضوع با دولت عثمانی مشوره نماید مایل نیست هیچگونه داخل در بحث این موضوع بشود - هر حال ما کار نداریم که بین آلمان و روس چه قرار دادی شده است ولی همینقدر میدانیم که دیر یا زود دولت آلمان باید دست اتحاد بجانب فرانس و انگلیس هم دراز نماید - دولت انگلیس البته باید خود را در این مسئله شامل نماید نه برای مدافعه از منافع خویش بلکه بواسطه برقرار داشتن حیثیت و مقام خود

اخبارات عثمانی قدری طبعه خودشان را در

نتایج اتحاد فرانس و انگلیس و قریب الحولتر می نماید و هیچ واقعه پیش نیامده است که دولتم فرانس و انگلیس متحدا اقدام در کارها نمایند و خوش بختی این است که دولتم بیکدیگر کمال اعتماد را دارند - در آخر نطق خود وزیر خارجه سخت پروتست نمود به کسانی که در این واقعه الزام بدولت فرانسه میدهند ، آیا میتوان الزام بتسلک بدون داد که با روس و انگلیس و ژاپون و اسپین و ایتالیا با منتهای دوستی و اتحاد است ؟ امروزه اتحاد فرانس و ژاپون ضامن امنیت و صلح اقصای شرق است و امیدوار است که این اتحاد برای همیشه برقرار ماند روزنامه جات اسلامبول تا کنون در موضوع معاهده روس و آلمان بحث می نماید و عقیده آنان این است که دولت آلمان شمالی ایران را به اختیار روس واگذار کرده و می نویسند که آلمان در راه اتحاد با روس ایران و عثمانی را قربانی نموده است

مخبر روزی از پترزبرگ خبر میدهد که در کلوب انگلیسی (سر جارج بوجین) سفير انگلیس اظهار داشت که کتر کسی مانند (لاردماردنک و سر آرثر نکلسن) خدمات تاریخی باین مملکت نموده است ، و اتحاد با فیکه بین روس و انگلیس واقع شده از کوشش و مجاهدات آنان بود ، چنانچه امروزه بین این دو دولت آندرجه دوستی و اتحاد برقرار است که در هیچوقت نبوده و امید میکنند که هماره برقرار ماند انجمن لیگ آلمان که در خاک روسیه هستند خبر یافته که این قرار نامه پورلسدم مورث زیان و تکلیف آنان تواند گردید ، ازین رو هیئت از آلمانیان برای بشرفت مقاصد خودشان طرم طهران خواهند شد که برنی قرار نامها با دولت ایران به بندند

(۱۴ جنوری - ۱۲ محرم)

بیانات مسیو پچین در خصوص اتمام اتحاد تلافی روس و انگلیس و فرانس موضوع بحث جبران آلمان شده اخبارات آلمان بیانات با موقع مشارالیه را تمجید میکنند با اینکه در بیاناتش اشاره بعلیحدگی از آلمان نموده است

در بارین چنان اشاعت یافته که عنقریب عهدنامه در خصوص آسیای صغیر و ایران و راه آهن بغداد بین فرانس و انگلیس و آلمان بسته خواهد شد

خصوص معاهده آلمان و روسین تبدیل داده و این امر بواسطه اطمینانی است که سفیر آلمان رسماً به باستانی داده است

میبو یچین دیروز در پارلمان فرانس انکلاو نموده است که غرض از معاهده روس و انگلیس بیچگونه تقسیم ایران نبوده است - این عهدنامه که از چند سال مابین طرف بین دولتین شده خیلی امید بخش است (۲۲ جنوری - ۲۰ محرم)

در پارلمان عثمانی وزیر خارجه در جواب سؤالی که پرسش شده بود از مباحثه پورتسم و بیانات سفیر آلمان که مصدق اقوال وزیر خارجه روس بوده است - وزیر خارجه جواب داد که روابط انگلیس و عثمانی خیلی دوستانه است و یقین دارد که منافع عثمانی در خلیج فارس تصادم با هیچ نقصانی نخواهد نمود ، ازین بیانات وکلای پارلمان خیلی اظهار مسرت نموده و ابواز اطمینان بدین بیان دادند

حبل المتین

این بود خلاصه ترجمه تلگرافات وارده در موضوع معاهده روس و آلمان و نتیجه ملاقات امپراطورین در پوتسم ، از این تلگرافات اگر چه ماهیت معاهده دولتین کابینهی ظاهراً نمیگردد، ولی چند امر از قرائن مستفاد میشود - اول تزهیح اتحاد ثلاثه روس و آلمان و فرانس - دوم تشویش انگلیس و فرانس از کناره جوئی روس - سوم شمولیت آلمان در منطقه نفوذیکه در معاهده روس و انگلیس برای روسیان معین شده بود - چهارم ناچاری انگلیسان در معاهده با آلمان منباب جنوب ایران که منطقه نفوذ خودشان را معین کرده اند - پنجم کوشش انگلیسان برای شرکت دادن فرانسه در معاملات ایران و اتحاد با عثمانی، از جمله این مواد چیزیکه محققانه استنباط میتوان نمود این است که سیاست ایران برخلاف دعوی و معاهده روس و انگلیس کافی السابق بین الملی گردید و معاهده روس و انگلیس و منطقه نفوذی که برای خودشان قرار داده اند در همان پورتسم مدفون شد و مجدداً ایرانیان را برای جلب اسباب بشرف ترقی يك مهلت رقابتی موقتی بدست آمد مسلم است که اگر ایرانیان موقع شناس باشند بدین زمان مهلت خویشین را لزا موضوع رقابت

خروج تولید نمود ، ورنه باید گفت، غایب است استقلال ایران دوخته همین رقابت دولاست که چندین مدتی در کار نداد و اگر دانایان ایران فقط تبدیلات چهار ساله و اشتراکات و اتصالات سیاسی دول را مشاهده نمایند بخوبی خواهند دانست که عمر اینگونه رقابت های سیاسی چندین دواز نیست (قبل از روزنامه نجف)

عالم اسلامیت را بشاوت

امروزه علم اسلامیت بواسطه طلوع آفتاب معرفت يك نورانیت فوق العاده پیدا کرده ایم گروه مؤمنین شاهی کنید هیچ سروسوسن آزادی کنید

امروزه يك روح تازه در قالب علم اسلامیت دمیده شده ، امروزه عناصر مختلفه اسلامیه از خواب غفلت و مستی جهل بیدار و مشیار گردیده ، امروزه طوایف مسلمین در طلب گمگشته چندین قرن خود برآمده ، امروزه مسلمین در مقام افاد و احراء وصیت حضرت ختمی مرتبت برآمده ، امروزه روزی است که خداوند منان يك نعمة عظمائی مسلمین عطا فرموده که ابدالدهر از عهد شکر آن نمی تواند برآید ، سزاوار است که مسلمین این روز را عید سعید ملی قرار دهند و میتوان گفت که روزی بمیمنت و مبارکی امروزه در عالم کمتر دیده شده امروزه روزیست که حقیقت اسلام اندک برتری بر قلوب مسلمین انداخته ، امروزه روزیست که جمیع عقلا و دانشمندان اسلام آرزوی این روز را داشتند که علماء اسلام مانند شیخ منید ، و علم الهدی سید مرتضی چه مجاهدات کامله و بذل جان و اموال در فراهم آوردن مقدمات چنین روزی را داشته اند ، نادر شاه افشار بان اقتدار کامل خود چه کوششها در تحصیل فواید این روز را نموده و بالجمله اگر تمام مسلمین بخوانند نمرات چنین روزی را احصاء و تعداد نمایند ممکن نخواهد گردید آن روز مبارك کدام روز است آن روزیست که عقد اتحاد و مواخات بین عناصر مختلفه اسلامیه بسته شده ، روزیست که همه مسلمین در مقام تثبیت برود الوقی اخوة و حبل المتین اتحاد و اتفاق برآمدند تحصیل این اجنالك آنکه عناصر مختلفه اسلام از تاتار و ایران و افغانستان و بخارا و قفقاز و هند و چین

مصر و تونس و الجزایر و مراکش در اسلامبول که مرکز سیاست اسلامی است انجمنی منعقد کرده بر تشبثات و مداخلات خیر قانونی و استقلال شکانه دولت بییه روس و دولت قفقیه انگلیس لسان اعتراض کشوده و دولت معظمه آلمان را محمل توجه خود قرار داده و همچنین مقام ریاست روحانی ایران مقیمین نجف اشرف بجمیع دول معظمه عالم مداخلات جائزیه دولت روس را اخطار و مظلومیت ملت ایران را اعلان نمودند

جامعی از اجل فضل و دانش در انجمن اسلامیة اسلامبول خطاب علمی مریحانه سروده و نطقهای آنین در مسئله اتحاد نمودند و جمیع این نهکیت و ذات عالم اسلامیة و تضییقات دولتین روس و انگلیس را بر عالم اسلامیة از نعمات شجره خبیثه نفاق و اختلاف عناصر اسلامیة دانسته جماعتی دو طلبیه از آن مرکز باطراف بلاد اسلام حرکت کردند که این مقصد مقدس اتحاد اتفاق را بکرسی استقرار و استمرار بنشانند. از آنجمله حضرت ضیاء بک نجف اشرف مشرف گردیده بملاقات حضرات حجج اسلام تشریف جسته استدعا نمودند که مجلسی تشکیل شود مرکب از طبقات علماء اعلام. یوم پنجشنبه ۲۸ شهر ذیحده در منزل حضرت آقا سید جواد کلید دار روضه مطهره حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوٰة والسلام که اولین رجال باکیاست و شرافت عراق عرب میباشد این محفل منعقد گردیده تمام طبقات علماء و اشراف و سایر طبقات مردم از نجار و غیرهم و مامورین عثمانی هم حاضر گردیده حضرت ضیاء بک مرام خود را در ضمن بک خطابه مریحانه اظهار داشته شمه از نکبات و عواقب وخیمه نفاق را بیان نموده سعادات و شرافات اتفاق و اتحاد را بسمع حضار رسانیده جناب مصطفی افندی هم شرحی بر ترغیب و تخریب مسلمین بر اتحاد و اتفاق نمودند صاحب مجله شریفه (العلم) خطابه مفصلی بلسان عربی نصیح انشاد فرموده (سکه محض نین و تبرک ذیلا نگارش دادیم) سکه بک مرتبه تمام حضار مجلس صدا بتهلیل و تکبیر و استغفار بلند کرده همگی شایق و طالب این مقصد مقدس گردیدند. حضرات حجج اسلام هم با بک هیجان مغرط و

با بک شوق تمامی اظهار همراهی فرمودند و جمیع مسلمین را زمین منت خود ساختند. مقدمتاً قراوشد که صورت این اتحاد و اتفاق بین عناصر مختلفه اسلامیة بشریف مکه تلگرافاً اطلاع داده شود که در معرفات که جمعیت کبرا مسلمین در آن زمین مقدس منعقد میشود بعموم مسلمین بدان ابلاغ شود و همین طور تلگرافاً بحضور اعلیٰ حضرتین اقدمین سلطان محمد خان خمس و سلطان احمد شاه حفیظ الله ملکها مرضه داشته شود و ما آنصورت تلگراف و اهم انشاء الله بدعا اخطار خواهیم کرد

(ترجمه خطابه صاحب مجله (العلم))

صاحبان علم و دیانت وحیت بدانند که باجتماع دردها شناخته میشود و باجتماع دواء درد و معالجه مرض دانسته میشود

ظواهر شد اسلام در حالتیکه مردم در غلط اختلاف و تفرق و دو طریق عداوت و دشمنی سیر میکردند (و این خصلة برباد دهنده هر قوم و ملت است) و جذب کرد اسلام ببرکات معجزات باهره و نسیج واضحه این فرق مختلفه را و عداوتهای دیرینه را از قلوب آنها بیرون کرد بطوریکه هر بک بک آنها عفو و اغماض از حرکات عداوت آمیز یکدیگر نمودند و همه میگفتند که اسلام قطع کرد آنچه را که در سابق بود

پس از آنکه جماعتی ایمن بسید انبیاء صراطه علیه و آله آوردند و عقد اخوت میان آنها بسته شد افضل کل خواست که بک جامعه بین مسلمین قرار دهد که مانع شود آنها را از تفرق و قرار دهد آنها را مانند بنیان محکم که تمام اجزاء آن بهم آمیخته باشد. این بود که بک داب و عادتی در آنها قرار داد که در سابق رسم نبوده و در واقع بک فواید عام المنفعه پیشاری بر آن مترتب شد. آن داب و سنه نماز جماعت است که در هر روز در بک مکان جمع شده اطلاع از حال یکدیگر پیدا کنند و با همدیگر جوشش وانی پیدا نمایند و اگر بر یکی از آنها بک ظلم و تعدی و یا آنکه فقر و فاقه و یا آنکه بک ابتلاء دیگری وارد شده باشد مها امکن در مقام علاج و رفع آن برآیند و اگر یکی را در آن اجتماع نمی یافتند فوراً در مقام

سایر اعضاء برای علاج از دود حرکت آیند
(چه آنکه)

- (بنی آدم اعضاء یکدیگر اند)
- (که در آفرینش زیك گوهرند)
- (چه عضوی بدرد آورد روزگار)
- (دیگر عضو ها را نماید قرار)

و بواسطه این مزیه دینی دین اسلام تا بوم
قیامت باقی خواهد بود

و اگر در روی زمین دین دیگری بخواهد
باقی ماند ناجار است از اینکه رسوم و آداب
اجتماعیه اسلامیه را تبعیت کند و اگر کمی درست
تجسس کند در مواد سنن اسلامی بهتر از این سه
سنت در تکمیل بقاء نوع و تحفظ قومیت و استحکام
ملیت بخواهد یافت

لکن کمال ناسف است از اینکه عظمت و نادانی
یک نحو استیلائی بر مسلمین پیدا کرده و بطوری
حیالیه در آنها راسخ گردیده که مردم یا در مقام
تعاون و سهل انگاری باین سنن قویمه هستند و یا
آنکه اکتفاء به بعضی از طواهر سنن کرده ابدأ
بی باطن و اسرار سنن نمیبرند، برای نماز جمعه و
جماعت حاضر میشوند ولی مقصود اصلی از این
اجتماع را چه مقصود دنیوی و چه مقصود اخروی
باشد ادراک نمیکند و از روزی که کوههای آتش
فشان سیاست و مدنیت اروپائیان بنای آتش نشانی
در ممالک اسلامیه گذاشت بطوری مسلمین را از
همدیگری اطلاع و بی بصیرت قرار داد که هر وقت
یک قطعه از ممالک اسلامیه گرفتار جنگاطای اروپائیان
میشد اهل قطعات دیگر ابدأ اطلاع نداشته و ابدأ
صدائی از دیگران بلند نمیشد (اندلس) که یک
قطر عظیم اسلامی بود معارف و احکام اسلامی در
آنجا بطوری منتشر بود که اروپائیان از برکت
انوار آن معارف باین مقامات رسیده اند چگونه
اجانب بر آنها استیلا پیدا کردند چگونه تمام عهود
و موافقت را نقض کرده و چنان کار را بر مسلمانان
آنجا سخت گرفتند که اعلی مجبوراً ترك دین حنیف
اسلام گشته و نصرت را اختیار کردند، آیا هیچ
احوال اسف انگیز مسلمین اندلس در مردان کار
آمد مسلمین نقاط دیگر و در ناصربین دین
حنیف اسلام و در حجج اسلام و رؤسای اعلام
اثری کرد؟

استفسار از حال او برآمده که چه حادثه برای او
رخ داده که مانع از حضورش شده آنوقت در
مقام همراهی و نجاتش از آن بلیه رسمی آمدند

پس باجماع درد ما شناخته آید و اجتماع دوی
درد ما فراهم شود و همینکه عده مسلمین رو بنزاید
گذاشت و اسلام از حصار مدینه منوره با بقریه ها
و قصبجات اطراف مدینه گذاشت و اجتماع آنها
هر روز در یک مکان سخت شد و از آنطرف
از عدم اجتماع خوف آن بود که نظام مسلمین
گیخته و حقوق آنها ضایع شود این بود که یک
داب و سقی فوق اول قرار داده شد که سلواه
جمعه باشد. از برای آنکه از مردود در سنن مسلمین
در عرض هفته یک روز جمعه جمع آید که بهم
امتزاج و انسی پیدا کرده و از برای هر کدام اگر
حادثه و ابتلائی و خداده باشد در مقام علاج برآید
(پس باجماع) شخص مبتلی و گرفتار شناخته
(و باجماع) دفع بلیه میگردد

پس از آنکه منتشر شد اسلام در اقطار ارض
و کنیری از جماعات شبه جزیره العرب و غیر هم در
تحت حکومت اسلامیه عادلانه درآمدند و طوری شد
که مردمان بلاد همدیگر را نمیتوانستند ملاقات کنند
و از حال یک دیگر مطلع نمیشد این بود که یک
داب محکم و یک سنت سبیه دیگر و یک قریضه
جامعه اعطی که بهتر از آن تصور شود در اظهار
شوکت و جلالت اسلام و در استحفاظ بیضه اسلام
حج بیت الله الحرام قریضه از برای متمولین و متقدرین
از مسلمین قرار داد که اجتماع کنند مسلمین اطراف
خانه و مولد نبی (ص) و اصل قومیت و ملت خود
و ایلاف و استنباس بهم پیدا کرده مامم دیگر
مذاکره حالات و ابتلاء آن بجایند و بامم دیگر
مناسبت و یاری نماید و در این محف عمومی بر
اسرار و مضار یکدیگر مطلع شوند و رفع احتیاجات
از یکدیگر نمایند

پس از این حادثات شد که باجماع اعیان امت
میشود و باجماع رفع عموم و عموم میشود بنابر
این تمام مسلمین بمنزله یک جمعیت و بمنزل اهل یک
خانه میباشد که کمال ارتباط و اتحاد یکدیگر دارند
و تمام شعب مسلمین بمنزله اعضاء مختلفه یک بدن
محسوب میشوند که در وقتیکه یک عضو مبتلی شد

آیا هیچ میبجانی در نقاط دیگر اسلامی پیدا شد. لا والله، لا بالله، و از من جهت اجانب قوت گرفته و جرئت پیدا کرد بنای تمدیات و تجاوزات بر سایر ممالک اسلامی گذاشتند، کم کم قطعات دیگر را هم منفصل کردند و سیاست خود را در لباس تجارت در اعماق ممالک اسلامی نفوذ دادند و قوای مادی مملکت ما را جلب و حشو و زوائد ممالک خود را با دادند و حقایق ما را تبدیل باو هام کردند و آن حیت و قوت اسلام را از مسلمین مقلوع داشتند تا آنکه ماقوس آنها غالب بر صدای اذان آمد و امجیل آنها بجای قرآن رواج گرفت و تثلیث آنها بر توحید ترجیح داده شد و شتابین بر عید و میلاد بر هجرت و زمار بر اعواذ و نائم اختیار کرده شد. آیا با این همه ظلمها و بلاها یک سر موئی از مسلمانان بجنبش آمد و آیا یک عرق حیت و رک قوت بجهت و اضطراب در آمد، (لا والله لا بالله) بلکه همه مسلمین در مهمل غفلت و خوابگاه جهالت آرمیدند و بر سیدل عادت معمولیه خود میگفتند ما چه دخلی دارد خداوند کریم خودش جاره میکند این تهاون و بی حسی مسلمین اسباب زیادتی جرات و جسارت اجانب گردید بطوری امواج سیاست آنها ممالک وسیع اسلامیه را فرا گرفت بچینتی که زمام امور مسلمین در کف آنها قرار گرفت و جمیع عقول و افکار عالیه ما مسلمین را از کار انداختند

بچشم خود در بیت الله الحرام دیدیم که فرق جنیدی از مسلمین که از ناصیه آنها آثار مذات و حقارت ظاهر است ایدا تفقدی بحال آنها نکرده و استفساری از آنها نکردیم و گشتیم ما شخص خود را حفظ کنیم آنها خودشان خودشان را حفظ نمایند همین جهت امروز خودمان مبتلا باین ذلت و حقارت گردیده اگر آن روز تفقدی بحال آن مسلمین میکردیم بذل نفوس و اموال خود را اعانت آنها میکردیم ممالک آنها را از اجانب استرداد میکردیم امروز خودمان مبتلا باین بلیه نمیشدیم

کجا رفت قفقاز و قازان، کجا شد بخارا و عمان، چه شد مصر و سودان، چه شد بلخار و قبرس، چگونه شد الجزایر و تونس، چه خبری دارید از

هند و اندلس (ایها المسلمون) تفاق و شقاق و اختلاف آنها را باین روز سیاه نشاید و همه آنها امروز عید و امه و عمله اجانب مستند تازیانه کفر بر آنها استبلا پیدا کرد. آیا روزی بدتر از روزگار آن بچارگان میشود، بلی میگوئیم امروزه کجاست ایران و کربد کجا رفت کلمه توحید آیا چنین چیزی میشود که استقلال ایران محو و کربد منفصل از دولت اسلامی و تثلیث غالب بر توحید شود، بلی این سکوت و نبلی و غرض رانرا که ما شعار خود قرار داده ایم و این شهوت رای و خودبانی و موا برستی را که ما میل مغرط باو داریم ما را خواهد باین روز سیاه نشاید

این ایرانت که نوبت استیلاء بآن رسیده و اجانب بجهت قوی خود را به نجهت ضعیف آن داده، آیا ایران را میشناسید و اهمیت موقع آنرا میدانید؟ ایران طریق و راه غلبه اهالی مغرب زمین است بر مشرق زمین (استیلاء) بر ایران یک وسیله بزرگی است از برای اجانب برای تفریق جامعه اسلامیه، ایرانت که در غلبه بشریت قدیم ترین اولاد است، ایران است که محیب ترین ملل و معدن علوم و معارف بوده، ایرانت که محل بروز آثار دین اسلام بوده، ایران است که مسایه بوده و ما مسلمانان مراعات حق او را نکرده ایم و اجحافاتی که از اجانب بر او وارد شده دفع نکردیم زیرا که ما وصیای حضرت ختمی مرتبت را بمقام اجراء نگذاشته ایم ایدا عقد اتحاد و مواخات باهم نه بسته ایم شعار و آواز دین خود را فراموش کرده ایم

(ای مسلمانان) آرزو چنین داریم که مسلمانان قفقاز را عبرت برای کربد قرار دهند و اندلس را مثال ایران بدانند و از سر باز جمه و جماعت و حج غفلت بورزید و بیش از این مظلومیت عالم اسلامیت را روا ندارید که قشون اجانب خاک مقدس اسلام را لکد کوب اسبان خود نمایند و در این مقام باشند که اجانب را از مملکت خود خارج نمایند اگرچه ایران را از بذل نفوس خود دریاسیبه خون نمایند، ای مسلمانان اتفاق و اتحاد و برادری تا وقت است این نعمت عظمی را غنیمت دانسته دست بدست یکدیگر داده ممالک مسلمین را از چنگال اجانب مستخلص دارید

نقل از روزنامه شریخه ایران نو

(مطبوعات عثمانی)

(خطاب با ایرانیان)

موفقت پلتیک استیلا جویانه مسایه های ما را از سستی و جهالت خود مان می بیند چنان تصور میکنند که این همه ابتلاآت تماماً از جهالت و غفلت خود مان است که بسر ما می آید این نظریه را بیشتر از همه در داخله اقرار دارند ولی باید دید که آیا در این مسئله هم پلتیک اجاب مدخلیت دارد؟ یکی از افاضل علمای عثمانی لایحه در تحت عنوان (خطاب به ایرانیان) در « ترجمان حقیقت » اسلامبول نشر داده است که ما نقل آن را حالی از اهمیت ندیدیم

السلام علیکم ای برادران هم دین ساکنین ایران زمین ! بطور تحقیق بدانید که نواب و بلایان که امروز بشما استیلا یافته و کاشانه سعادت شما را در کار بغا کردن است همانا از خود شما است ، سر زمینیکه يك وفق عنوان دار التنون مسلمانان را از روی حقانیت دارا شده بود ، میدان زد و خورد و مجادله فساد کاران شده و همین طور ماند ، اگر يك هر منسد کسانی را نیاید که متایل فساد نباشند و یا مردی را پیدا نکنند که با عوائت خانانه اش تمکین نماید . عجیباً چگونه کامیاب به مقصود خواهد شد ، این فریب خوردن بکلمات ناحق و باور کردن اظهار مفسدین نیز از جهل و نادانی ناشی است ، خداوند همی ما را از این بلیه محفوظ دارد !

چنانچه احوال نزار کنونی کشور ایران امروزه هزاران از ارباب مدنیّت را سکه در زیر لباس انسانیت همان نفس سبی خویش را پنهان داشته اند موجب تاز نشود ، یقین است که افلا عالم اسلام را به ناله و این میاورد . دماغهای مقیمین این مملکت باید درك کنند که پیشرفت کله توحید از نفسهای واحبه خود ایشان خواهد بود ، چه نظر بمفهوم حدیث شریف (عما لکم) حکامیکه امور شما را اداره می نمایند محصولات اعمال و افعال خود شما هستند ، چنانچه روزی حاکی برق ستم را برافرازد فیض مشروطیت را ببرد . از نفس اماره خویش پیروی کرده آریندگان حضرت متعال را بزیر پای نجلوزات خود پایمال نماید باز هم نظر بهمان حدیث

نبوی آن مردم باید اذعان کنند که حکامشان نیز از خود ایشان هستند .

ای مردم ! این بلا از جهالت است ، خواب غفلت دیدگان ما را بوشانده و نمی گذارد ما کاشن سرای معیورتی را در آنطرف تنگنای وجدانسوز مکتوبی ما که واقع است ، نظر ساینه آوریم - والی ، عامل ، وزیر ، بادشاه ، تحمیل دوش ملت نبوده و فقط منتخوار و مغلوب هوا و هوس و حاکم لا بسئل نیستند . هر آنکه آسودگی مردم و حقوق ماس را فرمد هر کس که باشد ظالم است ، و شا اهل ایرانش نیز آلت آمال نسانی يك زمره از ستمگاران شده و در هر گوشه برچم شورش و طغیان می افرازد . اگر بدانید در چه کارید شبه بیست که بدین اعمال مبادرت نخواهید ورزید ، دردهای شما نورایمان بر تو افکن است ، بخون بدانید که این نادانی و جهل شما نیشان اسلامیت را ویران خواهد ساخت . اسلامیت هیچگاه زائل نمیکند . ما مستقدم که تا قیامت نیز پایدار خواهد ماند . فقط جهالت عامه و کوری مغزوی ایشان است که عزت دینی را قرین دلت و خواری میباید کاری هم که شما میکنید همین است : اول این و آخرش هم همین است . اما دین اسلام عزیز است ، تعرضی که بواسطه اعمال فاسده سالکان این آئین بدین شریعت میشود باید بهمان صاحبان افعال زشت میباشد . حضرت نبوت یناهی در فردایی محشر بزرگترین مدعی همین مسئله خواهد بود .

ای غفلت زدگان ! ضعف اخلاق و جهالت تمام اسلام استیلا یافته . هر چه که امروز میکنیم جزای اعمال ماست ، وای برادران مقیم ایران ما ! بعضی مفسدین درسکارها هستند که بوطای مسکو و روسیه را بلعبده اند . وای بر آن خاقلان که آخرت خودشان را در ازای وجوه بخش دنیا از دست داده اند . خویش و برادران دینی خودشان را به بیگانگان تسلیم می کنند . باید گفت که ای قائمین با آخرت محقق بدانید سکه حضرت عزیز ذوالانقاص بصورت مدعش جزای اینان را خواهد داد با کمال مایوسیت می شنویم که بعضی از دونانی سکه بزی علما هستند در آنجا با امر مشروع مشورت و ترقیبات مدنیّه مخالفت می کنند .

از آفت سرزمینی که بیشتر منور طینتان اسلام را پروراند و در دامن آن از حقایق افاضه نمودماند زهار غفلت مکنید، از اباس و قیافت فریب نخورید، آنان علمای حقیقی نبوده و طایفه گمراهان و مضل هستند. ایزد منال ایشان را به پیشگاه حساب آورده و گرفتار عقاب خود می فرماید، زیرا هم خود گمراهند و هم دیگران را بضالت وای می دارند. علمای حقیقی آنانند که ملت را بحاکمیت سوق نموده و حقیقت دین را می فهمانند، عالم صدوق بمقامات دنیائی تنزل نمیکند، این انحطاط و تندی عالم اسلام که از هزار سال بدین طرف شروع نموده همانا یا از ولوله و له افتزای متعصبین ریاکار بوده و با نتیجتاً اعوای مشدین است که در کسوت صلحا متلبس شده اند. آنانند گمراه کنندگان سلاطین، آنانند مشوقان تن پروری و تبلی، آنانند ساقین مردم بضالت و تفاق:

برادران ایرانی: خیرالی و امام فخر رازی در سر زمین شما پرورده شده و کسب فیض نموده اند. اینها حتی در مقابل جبروت پادشاهان نیز که حق را الزام کرده، شمشیر شریعت را از تمام شمشیرها برنده تر گفته و مغلوب شدهگان هوای سلطنت را ارشاد می نمودند. علمای حقیقی که وارث فضایل آنان باشند در مملکت شما کم نیستند، مصابح آن دوات حقایق سبب پیروی جویند، اگر بدام دروغگویان بیفتید سر انجمام پشیمانی خواهد داشت، من دعا خوان شما و تمام اسلامیانم، هر نژادی که منسوند باشند ولی « مؤمنان برادر یکدیگرند »

اگر تیر کدورتی که مصادم یک نفر مسلم بشود تمام قلوب مسلمین را جریحه دار خواهد نمود، آنگاه میتوان گفت که با صر جلیل فوق الذکر متابعت شده است و الا بادی یک قسمت از مفروضات خسه کار تمام نیست، واجبات ما آنقدر هستند که ما فراموش کرده و مینمایم، و اما بظاهر امور برداشته و از یکدیگر جدائی میسکنیم در صورتیکه حضرت باری تعالی فرموده است (واعنصوا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا) اسلامیت تا قیام قیامت باقی است، اما اگر بشششمه کائنات زوالی رسد مسئولینش با طاعت، در صورتیکه مامور با تفاق هستیم تفاق می روزیم، در حالیکه باید بوفاق پردازیم راه شفافیت می یابیم در صورتیکه مامور بی همجهاده

و ترقی و ارتقا هستیم بتعصب عجا متشبث شده ایم، عالم در عرض هر دقیقه هزاران فرسنگ راه را قطع میکنند، ما میکوشیم که بازمانه قبل اتاریخی مراجعت نمایم فیض مشروطیت میخواهد بهره مند مان کند ولی ما استغفا بروز میدهیم، دین اسلام اساسش بر اعتلاست، احکام آن با فکر علویت و ترقی برستی تالی است، اما هر کس که عنوان اسلام دارد و بر عکس رفتار می نماید هم فاسق است و هم منفردی چه بدی سکه مملک است افترا می زند، خداوند دواجلال و حضرت نبوت بنامی از دلیل کنندگان دیش بیزار است ولی ما خود را از دلیل کنندگان آن قرار داده وسایل دلش را آماده می سازیم، ممالک خود ما را از روی جهالت و غفلت ناجاب واگذار می نمایم و لا مید می نمایم

ای غریقان گرداب غفلت ایان بیاورید که خدایوند از غافلین خوش بود نیست، هر ذره از کائنات موجوده برای مقلان و خردمندان یک نسخه حقیقت است، گذشته از این که میخواهیم درک این حقیقت را بکنیم اصرار داریم که بترقیاتی که در اطراف و پیرامون ما روی میدهد چشمان ما را ببندیم این ملت مظلومه را میفهمانم که در قرآن آیه « دالک بما » هست، مضای شرفش نتایج اعمال داخلی و خارجی شاست و الا حضرت خداوندی ببندگانش ستم روا نمیدارد

دیگر این خطاب فیل را برادران خود عنوان کرده و برای احتراز از اطناب کلام ختم مقال مینمایم (والسلام علی من التبع الهدا)

ترجمه حال فیلسوف

(کنت لیونیکلا بویج تالسوی)

حکایه نویس مشهور روس دوسال ۱۸۲۸ در (یاسنا یا بولی یانا) از محال [تولا] متولد گشته است در سال ۱۸۵۱ جزو مریزهای داو طلب نقشون قفقاز ملحق میشود و در همین وقت رومان « طفولیت » و شباب را نوشته و شالوده رومان (قزاقها) را می ریزد - در سال ۱۸۵۳ هنگام جنگ قدیم در موقع فراغت خود (سوستاپول) را نوشته و ارا انجمام میدهد، و در همین وقت که او را برای رسانیدن یاره نوشتجات مامور پترزبورغ نموده بودند به (تورونیو) نویسنده مذکور

برخورده و با او ملاقات مینماید، اگرچه مناسبات این دو نویسنده بزرگ علی مقام هیچگاه دوستانه و صمیمانه نبوده است و بلکه گاهگاه تا یک اندازه کارشان بمناقشات قدیمی کشیده است ولی باید دانست که (نورزینو) در وقت جان دادن بیوسته نام (تولستوی) را با احترام برده و مقام او را تقدیر نموده است. مقارن سال ۱۸۵۷ (تولستوی) توجه و دقت خود را بجانب اعمال فلاحی و اداره امور املاک خود مبذول داشته و در سال ۱۸۶۳ شروع به نوشتن یکی از بزرگترین شاهکارهای خود یعنی رومان (جنک و صلح) مینماید. تولستوی در این کتاب بخوبی از بیابان و نجس اوضاع و کیفیات اجتماعی روسیان در سالهای مهم بین ۱۸۰۰ و ۱۷۱۵ برآمده است، و این کتاب با انتشار خود برای تولستوی در عالم ادبیات مقام عالی را کسب نمود. مقارن سال ۱۸۷۱ این نویسنده بزرگ بنوشتن دومین شاهکار خود حکایت (اناکارینا) شروع مینماید. این کتاب گذشته از اینکه مانند (جنک و صلح) اوضاع اجتماعی را بیان نموده بیست وضع اشتباه نکردن تجریبات دماغی شخص نویسنده را بیان نموده و مجسم میسازد. در سال ۱۸۸۰ پس از یک آزمایش روحانی کتاب (اقرار من) را مینویسد و از آن زمان الی صدور و نشر تکفیر نامه مشار الیه توسط (سیند مقدس - مجلس روحانی روسها) در سال ۱۹۰۱ وضع رفتار او با کلیسیا مثل رفتار یککفر (سیالیست - بت شکن) بوده است. در سال ۱۸۸۵ کتاب «مذهب من» را نوشته و در ۱۸۸۹ «کروتزسانا» را ترتیب میدهد.

این کتاب اخیر مخصوصاً بستی و ثلثت اوضاع اجتماعی را نشان میدهد. در سال ۱۸۹۵ تالیلات عقاید اجتماعی او دیگر از دایره خیال و گفتن و نوشتن تجاوز نموده و قدم بمیدان عمل میگذازد. باین ترتیب که از روی میل خود و بطیب خاطر از کلیه مایملک خود چه از زمین و چه از پول نقد چشم پوشیده و تمام را از تصرف خود خارج مینماید و پس از آنکه از املاک خود را محروم ساخت و باصرار او را توغیب کردند که آنها را باسم عیال خود بکند مثل یک نفر زارع ماری از یک قطعه زمین مشغول بزراعت گردید، از جمله مصنفات تولستوی

میتوان کتب ذیل را شمرد: «قیامت» «ملکوت خداوند بین شماست» «ارباب و نوکر» «اپوان ایلینچ» «مذهب چیست؟» «انتهای این عصر» در تمام این مصنفات بیوسته یک حس بند آور و عبرت بخش ملاحظه میشود. عمومیت و مالکبری مواعظ و تبلیغات وسیع تر و بیشتر از آنست که بشود او را در جزو مبلغین (پرویاگاندیست) محسوب داشت. همین قدر باید دانست که درجه مناقب این شخص انانیت پرور خیر اندیش نوع که بیوسته، خونی و راحتی نوع را بر خود مقدم میدارد بلکه آنها را فقط برای نوع خود میخواهد بالاتر از تقدیرات ما امت.

نوشتهجات این نویسنده شهر بسیار شیرین و دلچسپ و حقیقت پرور است. کلیه آثار آن علاوه از زبانهای اروپا با کثر لسانی در شرق هم ترجمه گردیده است.

در دو سال پیش از اینکه هشتاد سال از عمر آن پیر دانا میگذشت خواستند که یک جشن عمومی دنیوی یادگار هشتاد سالگی او بکنند و باین مقصود ترتیبات و تہیات زیادی بعمل آمد. ولی بعد بواسطه خواهش خود تولسنوی هیئت که متصدی این کار بود از جشن متصوره صرف نظر نمود، زیرا تولستوی بان هیئت نوشته بود: «و اگر مرا احترام میدارید و سعی میکنید که رضائیت مرا داشته باشید بدانید که من از این تشبثات بیجا دواذیتیم».

تولستوی در این اواخر یکی از ترتیبات حالیه عالم تمدن خرت میداشت و بکفر مجرد مطلق افتاده بود که تلگرافات و نوشته از حال اخیر آن فیلسوف را خبر داده بود که همیشان را هم در راه همین مقصود خانه داده اند.

(یک از وکلای محترم آذربایجان)

جناب حاجی محمد صادق آقا وکیل محترم آذربایجان وارد طهران گردیده و عجاتاً در منزل آقای میرزا محمد علی خان تربیت وکیل آذربایجان احلال نزول فرموده اند.

«برونت ملت اصفهان از همسایگان متجاوز»
(بکلیه سفرای دول)

خدمت ذی شرافت هیئت مدیر متک، تلگراف حقیقت انصاف آن ذوات منظم از روی کمال غیر

خلوی و خدمت بملت و استقلال وطن عزیز و دفع زلازل مملکت شش هزار ساله از خروج قشون اجانب و تکذیب برتست همسایه جنوبی بود زیارت شد، مقاصد خود را توسط آن ذوات منضم و جراید حلیه بصوم سفرای عظام فحاش دول متحابه مقیدین طهران از جانب اداره و کافه ملت اصفهان خاطر نشان و مرضه داشت میبایم که هنوز قومیت ملت ایران و هرق وطن برتیشان از میان نرفته تاکنون هرچه انتظار کشیدیم که قشون همسایه شمالی از راهی که آمده بخوبی عودت نماید و محبوبیت و طریقه دوستی سابقه بین دولتین را از دست نداده باشد هر روز بر توفشان افزود. و مداخلات نامشروع که موجب تفرط طبع است در خاک ایران که محل نیاکان مس است نموده تا کم کم همسایه جنوبی را بخیال انداخته که آن پروتست نامشروع را میباید ما ملت اصفهان با برادران سایر بلاد هم آواز تا نفس آخرین در متابعت احکام حجج اسلام و آیت الله حاضر و برای هر حکمی که ازان نواحی مقدسه صادر گردد کرد بینه حق حاضرین این خطه کوچک مملکت را در واه استقلال وطن گورستان کهن کرده تا براسی حیح دولت نکار نیاید و شرافت و قومیت خود را نایل کردیم - کویه دارالشورا و سفرای حراید اداره جریده و عموم وطن خواهان

قطعه نامه کتبه صلح بین المللی راجع بایران
(۲۹ اکتوبر مطابق ۲ شوال)

کتبه صلح بین المللی قطعه نامه قبل و انتشار داده است از برای استقرار صلح کتبه بین المللی اطلاعات منتشره را راجع به تناسبت سیاسی انگلیس و روس بایران کافی ندانسته خواستگار توضیحات کامله از دولت انگلیس میشود، نخره نشان میدهند که رهرو مساکت سیاسیند چنانچه مسلکی که اخیراً نسبت بایران اتخاذ شده مقدمه بردن محاربه محسوب است، لهذا کتبه صلح بین المللی موقع را غنیمت دانسته اخطار از هر قدمیکه برخلاف حقوق استقلال ملت ایران برداشته شود کرده و بموجب علم خود از وقایع اخیره ایران اعلام میدارد که اوضاع حالیه نه فقط راجع به تناسبت سه دولت فوق الذکر است بلکه تمام دول که با سوء ظن بتوسعه منطقه خود انگلیس و روس در ایران می نگرند منجر بسوء ظاهرات شده موجبان

از دیاد رقابت بین المللی و تزلزل اعتدال قوا را فراهم میآورد

(بیان نامه کتبه سعادت)

دیروز خبر تلگرافی راجع بمرضه کتبه سعادت ایرانیان در استانبول که برئیس پارلمان انگلستان فرستاده اند اطلاع داده بودیم این دفعه متن آن مرضه را که در جرائد عثمانی ترجمه درج شده است بطور ذیل ترجمه میبایم ،

بر مقام ریاست پارلمان انگلیس جمعیت سعادت ایرانیان استانبول با کمال تعظیم و احترام میباید که بیان نامه دیل را در اجتماعات آینده مجلس عوام تبلیغ فرمایند !

آقایان و کلا! ملت ایران برای ادخال اصول حکومتی که اساسش بر قواعد عدالت و حریت بوده و مهد ظهور آن انگلیس بوده است از سه سال باین طرف در یک مجادله قهرمانانه بوده و از درجه قصوی صرف مساعی می ماید ، ایران که هس خود را حصر بر این امر متحد نموده بحق مظاهرت و توحشات قوم انگلیس اعتماد مینمورد ، چون آثار حریت که دائماً از قوم محیب انگلیس بیدار بوده و امثالین عملاً ثابت رسیدن اساسی باین اعتماد میداد ، در عین این حال گمان میکردیم که آنتریک های خارجی که اسباب عدم نتیجه از این مساعی مدیه ما میدود بر پارلمان انگلیس مجهول است ، مع مافیه ملت ایران که تماماً بر مظاهرت و معاوت ملت انگلیس امید بسته بود گمان میکرد که یک روز تمام این مشکلات حیل و تسویه خواهد گردید ، فقط یادداشت دولت انگلیس این امید را نکلی از ما قطع نمود ،

ای وکلای طالب جناب قدیمترین ملت آزاد دنیا ! در این آن مبرم بشما ، بحیثیات عالی و شرف بخش انگلیس مراحت می مائیم ، و رجا بواسطه تصویب نکردن حرکات حکومت خودتان که ثابت کنید که ملت انگلیس حیثیات تاریخی خود را همیشه در نظر دارد ، حرکات مذکوره ، منافی بشریت و مضار اواصر الهی بوده ریزش خون ملیونها اهالی و خرابی قطعی قومی که میخواهد زندگی کرده و ترقی نماید در نتیجه خود خواهد داشت ،

بروتست ملت آذربایجان

(از همسایگان تجاوز بکلیه سفرای دول)

متنگ طهران در ایالات نیز انعکاسات خود را می بخشد ، دیروز تلگراف برتست اصفهان را چاپ کردیم امروز هم تلگراف ذیل از طرف کنفرانس که برای همین مسئله در تبریز تشکیل یافته رسیده است کویه کابینه وزراء ایران و استقلال و مجلس ، مقام منبع مجلس شورای ملی شیدالله ارگانه

ما اهالی تبریز از تجاوزات استقلال شکنانه همسایه شمالی و از وخامت نتیجه یادداشت اخیر دولت انگلیس که آئینه وطن مقدس ما را تهدید و زوال استقلال و انقراض شرف تاریخی ما را مجسم مینماید بنسبات دلگیر و بغایت متاثر گردانید ، و بایک حال آتش گرفته ما اتحاد تمام امنای محترمین خود را مخاطب و به آواز بلند عرضه میداریم که چنانکه دو تنگنای اغلاب و شدت فشار استبداد و مجاهدات خود را بکار برده و جاهای خود را نثار حریت نمودیم حال نیز باتمام قوای ملیه حاضرمدافعه حقوق خود بوده یادداشت انگلیس ما را بروتست و نفرت خود را اظهار و نظردقت اولیای امور را برای یک مسئله مهم جلب و از وکلای معظم ما خواستاریم که از وزیر امور خارجه حل این اشکال را طلبیده در حفظ حقوق مشروعه و وطن عزیز کمال سعی و کوشش را مبذول و مظلومیت ما را بتامی دول اظهار داشته و وطن اقدس ما را از نتایج سوء تحمل این چنین یادداشت ها محفوظ بدارند .

کنفرانس

شب یکشنبه ۲۴ در مدرسه اقدسه از طرف میرزا باقر خان معلم زبان فرانسه کنفرانسی راجع بانحاد اسلام و لزوم عقد اتفاق مابین دولتین تلافی اسلامی : عثمانی ایران و افغان نموده و ایرانیان را ترغیب نمود بر اینکه در این مسئله پیشقدمی را پینه خود سازند .

تلگراف مقام منبع ریاست روحانی اسلام (به سرداران جنوب)

بصره توسط جناب حاج میرزا حمزه خدمت جناب اجل اکرم انجم سردار ارفع دام اقباله موجب تلگراف کمیته سعادت دولت انگلیس

سوق عسکر باطرف سوق نموده مصارف لزگرمکنه بردارد عجمه از جانب روحانین شرح تعدیلات روس و خیالات انگلیس بدول معظمه بورتتمو و بایران هم اشعار شد برآستو کند از جنبه مالی لزوماً درخواست میشود بحسن کفایت و غیرت اسلامیت با معاضدت و مساعدت سرداران عظام و رؤسای عشایر جنوب دامت تائیدانهم با نهایت انفاق رفع بهانه انگلیس فرموده آن صفحه را تامین و بلاد اسلامی و مسلمین را از مداخله اجانب و فیدوقیت و اسارت حفظ و دولت را تقویت و مضمون تلگراف را بسرکاران اکرامان صولةالدوله و سردار اشرف و سایر رؤساء دام نصرهم با سلام و افرحاجلاً ابلاغ فرما بوده از همگان اقدامات اسلام پرورانه مامول و امنیت جنوب را خوامان وفقکم الله تعالی و ایانا لحمایة الاسلام

محمد کاظم الخراسانی

تلگراف مقام منبع ریاست روحانی اسلام

(به کمیته سعادت اسلامبول)

اقدامات اسلام پرستانه عناصر شریفه اسلامیة زهی موجب تشکر ، سلام داعیانرا همه ابلاغ و برای اتحاد تمام امراء و ایالات جنوب و قنقع مواد فساد حاضر ، قرار شد از وصول جواب تلگراف طهران جناب قره‌المر اعز آقا میرزا مهدی باهیتی از علماء عظام رواه آن صوب و اطیر همین اقدام تناصر اسلامیة اسلامبول و از مسلمین سایر ممالک هم باهتام آن جنابان امیدواریم

اعظارات صوت‌الدوله به مجلس شورای ملی

(از کازرون به طهران)

توسط وکلای عظام فحاح محترم فارس ایدم الله تعالی ، بساحت مجلس مقدس دارالشورای کبرای ملی شیدالله ارگانه .

تلگرافی که چند روز قبل از طرف ملت غیور آذربایجان مخابره شده بود زیارت نموده و اکنون هم تلگراف حضرتین آیتین خراسانی و مازندرانی دامت برکاتهما را زیارت کرده نقایس و مفاسد وطن عزیز را این بنده در عرض شانزده ماه بصدای رسای جانفرسا صکراراً عرضه داشت ، خائین ملک و ملت اعتنائی نکرده‌اند تا کار بانجاها کفید بازهم جای شکر باقی است که در این آخرین

انتظام شدہ و تحصیل مقاصد و رفع بغایس. لزجہ برای طبیبی می فرمایند و خادمان وطن را مایوس از خدمت گذاری نشانخته دو چار هزار گونه مشکلاتشان سازند و یکی نتایج عمده حاصله اینست که وسیله انگلیسها عدم امنیت طرق شیراز به پوشهر بود این فدائی وطن تعهد نمود تامین داد و در حقیقت قطع وسیله و رفع براه نمود و امیدوار است که بفضل خداوند و مواهقت کابینه محترم در جنوب ایران امنیت را قیام و خدمات عمده را عرصه شهود رساند و یکی از عرایض صادقانه خود را باین شعر تکرار نماید در حفظ استقلال وطن

ترك مال و ترك جان و ترك سر

در طریق عشق اول منزل است

تا آخر دقیقه امکان برای فدای کاری حاضر است
۳۰ عقرب - سردار عشایر

تلگراف سردار ارفع به مجلس شورای ملی
(از ناصری بطهران)

حضور مبارک رئیس و وکلای محترم مجلس مقدس شورای ملی شیدانه ارکانه، چون وضع امور مملکت تمام بغرض و اشتباه کاری میگردد لازم دست محض استحضار خاطر مبارک اولیای امور در مقام جسارت برآید، فدوی در استقلال مشروطیت و وطن و ملت پروری، اشاعت اوامر مطاعه رئیس روحانی حضرت آقا آیت الله خراسان دام ظلّه العالی و در انتظام امور عربستان که اسباب هاله بدست خارجه نشود عنلت نورزیده ولی همه وقت در اطاعت اوامر حضرت آیت الله مدظله مطیع بوده و هم غیر از این هر کس بغرض یا اشتباه کاری حضور مبارک وکلای مجلس مقدس و اولیای دولت علیه عرض کند خلاف و غرض بدانند اوامر مطاعه را مترصدم (خزعل)

بروتست ملت همدان

(به مسایگان متجاوز بذریعه - رای دول)

تلگراف ذیل که از طرف اهالی همدان در پروتست تجاوزات روس و انگلیس گردیده در [جالبه] همدان خوانده شد طهران - کویچه بتام سفراء عظام مقام هیئت محترمه سفراء دول متقدمه متحابه دامت شوکتهم

بر هیئتک از دول متقدمه ظلم طول و توقف

قشون روس در مملکت ایران و اثرات سوء او پوشیده نیست و همه بخوبی میدانند که این مهربان ناخوانده تاجه اندازه حیوات ملیه و اسلامیہ ما را بعنوان ایجاد امنیت در فشار دارد. خصوصاً یادداشت اخیر دولت فحیمه انگلیس که نکلی استقلال ملی ما را تهدید می نماید، لهذا ما ملت حیه همدان با کمال جدیت و اتحاد با کله واحده توسط سفراء عظام بعوم دول متقدمه پروتست می نمائیم که اندکی عطف نظر و توجه مخصوص بطرف این مملکت و ملت تازه بیدار فرموده حیوات ملیه ایران را از تجاوزات استقلال شکنانه اجاب محفوظ بدارند که عاقبت امر ما منجر باستعمال قواء مذبه و دفاع مذهبه شود (عموم ملت همدان از مسلم و یهود و نصاری)

نقل از روزنامه شریفه جالبه

(منطبقه همدان)

هیجان عمومی

بعد از ملاحظه تلگرافات که در ورقه فوق العاده درج شده و اسطهار پروتست ملی عمومی در مراکز عموم ملت و اهالی همدان از علماء اعلام و امراء فحام و اعیان و اشراف و نجباء و اصناف و ملل متنوعه از برادران کابلی و مسیحی از همه طبقات بمجلس فواید عمومی برای اشاعه تلگرافات دعوت شدند و در تاریخ یک شنبه ۱۷ شهر جاری اجتمع فوق العاده عمومی حاضر و تلگرافات مذکوره قرائت گردید لواج مهیجه در آن مجلس خوانده شد اطفال و شاگردان مدرسه امیریه و الیاسر همگی با معلمین و بیره های شیر و خورشید حاضر گردیده و در سوگواری ملی ما دلای رقیق عنناک بتقدیم لواج سوزناک شرکت نمودند، محل آن که بعد از اشاعه تلگرافات و اعلان تهدیات استقلال شکنانه دولتین متجاوزین روس و انگلیس عموم ملت و اهالی همدان بالاتفاق اظهار نگر عوده از اقدامات ظالمانه اجاب پروتست سخت آمیز توسط ستر عظام به تمام دول متقدمه معطمه نمودند، و این اول اقدامی بود که بالاتفاق عموم ملت بر ضد تجاوزات دولتین بنا بوظیفه ایرانیت نمودند، صورت تلگراف پروتست نامه عموم اهالی همدان و ملل متنوعه بدو بار دول متقدمه از تجاوزات دولتین روس و انگلیس نیست بوطن مقدس خود که دو

شماره قبل بعد از شرح میجان همی وعده داده شده بود

(ایضاً)

در جمعه ۲۲ شهر جاری جماعتی از علماء اعلام و اعیان و اشراف و تجار و اصناف در منزل آقای فریدالدوله جمع شده و در بقیه مذاکرات بروتسی که بوم ۱۷ توسط سفراء عظام بطهران مخاره شده مشغول بودند و بنا شد تلگرافی هم مشتمل بر فرمان برداری و تشکر از طرف عموم خدمت حصرات آیات الله به نجف اشرف مخاره شود و بعد از مخاره درج خواهد شد

بروتست ملت گیلان

(بر علیه همایگان متجاوز بکلیه سفرای دول)

حاضر شریف مسبوق است که ایرایان در یادش حقوق اتباع دول سائره درین چندسال اخیر منتهای جهد را مبذول و از کار بردن مساعی جلیبه بهیچوجه دریغ روا نداشته با آن توأم سیلها از داخله و خارجه قطعه نظر متصدیان امور و افراد ملت ایران همواره بدان بود که بوشی از تبعه خارجه مفقود یا حتی تضییع نشود اگر در مقام تحقیق غور وسی شود مکتشف خواهد شد که هیچیک از دول عالم با انقلاب داخلی بواسطه تشکیل حکومت به ترکیب جدید نحوی که ایران از عهده حفظ حقوق اتباع دول خارجه بر آمده عهده نموده باین ترتیب همسایگان تفسیر اسلوب داده از وقتیکه دانستند ایرایان تا اندازه بمقوق خود بی برده ودر مقام آن بر آمده که رشته حیات مملکت خویش بدست دیگران نسیارند بطور جدیدی که عوالم رسی انسانیت و روح حقیقت آدمیت مکدر میشود با ایران معامله می نمایند ،

آنکه دولت بهیه روس است قشون خود را باحق ورود داده گاهی ارزاق را وسیله قرار داده و زمان آسایش عموم را بهانه نموده اغلب نقاط شمال ایران را مسکن و مأوای سالدات و قزاق خود نموده و روز بروز در مقام تقویت قوای حربی میکوشد ، پس از آنهمه نالها که بملت ایران وعده خروج قشون خود را داده بود بر خلاف انتظار در این چند روزه نیز ۲ فروند کشتی قزاق و سالدات و قوای حربیه ورود داد و بر عده سابقه افزود با آنهمه پروتستهای مجلس مقدس شورا و وزارت جلیله خارجه جمیع ایالات و ولایات ایران را از قشون بناحق ورود

داده خود خالی نمیگذارد و باین سبب بعضی که هنوز عودت ارتجاع از منز آنها خارج نگشته باستظهار اقامت قشون روس در ایران همه نوع افساد نموده و آتش فتنه را در هر نقطه مشتعل میسازند و همین که دولت محبوب ما ایرایان با آن ضیق مالیه در مقام اردو کشی برآمد فوری مفسد را در کنار حمایت دولت خارجه و یا در خاک عامن گرفته مینگردند ،

آنکه دولت فخریه انگلیس است ما آن که خود را از قدیم ترین دول مشروطه روی زمین بشمار آورده و بعدالت خواهی و معذات پروری از خود معرفی نموده بدو ما دولت روس در مقام تقسیم ایران بدو نقطه خود بر آمد و از آن به بعد در هر نوع تقویت مضوی نسبت به تجاوزات دولت روس فرو گذار نمود ، تا در این آخر روح مقدس اسلام و عامه ایرایان را به پیشهاد تهدید آمیز از خود منزجر و نفرت حریت خواهان ملل عالم را جالب به بهانه اغتشاش بعضی از نقاط جنوب بر استقلال مملکت قدیم ترین ممالک دنیا حمله آور گشته و دخالت صاحب منصبان هندی خود را در داخله ایران خوانمان است ملل عالم را گواہ گرفته و تمدن منبسط روی زمین را در محکمه قاضی وجدان حقیقت انسانیت بشهادت می طلبیم که ایندو دولت قوی بنجه حقوق بین المللی را مراعات نکرده فقط بقوای مادی در مقام زور گوئی و تجاوزات بر آمده صورت زیبای آفتاب تمدن و ترقی را لکه دار نموده قوانین بین المللی را نقض و از حدود مشترکه تخطی و تجاوز نموده و میباید و بنوسط سئارت نزد دولت متبوعه آن بوسیله این نامه تجاوزات دولت بهیه روس و دولت فخریه انگلیس را بروتست مینمایم ، حافظین حقوق مشترکه و نگاهبانان روابط دولی را با استمداد میطلبیم امید واریم آزادی خواهان دو روی کره با ما ملت مظلوم ایران که دچار قهر بنجه استقلال شکنسانه روس و انگلیس شده ایم هم آواز شده ملت ایران را از فشار جابرانه این دو دولت نجات دهند ، و روح مقدس عالم انسانیت و مدنیت را از خود شاد فرمایند ،

(انجمن ایالتی و عموم ملت گیلان)

نقل از روزنامه شریفة شمس

(بیان نامه کابینه عثمانی)

روز شنبه گذشته هیئت کابینه عثمانی در پیش مجلس وکلای ملی بیان نامه خویش را خوانده و در آن بیان نامه شرحی از واقعات متعده در مدت تعطیل پارلمان که چهار ماه طول کشید داده اعتماد وکلای ملت را درباره مسلک سیاسی خویش طلبیدند، این بیان نامه که خیلی طویل الذیل است و حاکی از اصلاحات و اجراءات تمامی شعبات اداره دولتی است از جانب حقی پاشا (صدر اعظم) بر وکلا خوانده شده و در جواب این بیانات خطبای بسیار نتیجه اجتهادات و تبیینات خود را در باب مندرجات آن ، یگان یگان و علی رؤس الاجتهاد با کمال آزادی اظهار نمودند و تا کنون معلوم نیست که کابینه در پیش این ناخوش و ناز های شدید مخالفین خواهد بر سر اقتدار ماند یا خواهد افتاد ، در هر حال ، ایستاده تا چند روز دیگر که سلسله اعتراضات فرقه مخالفین بختام خواهد پیوست آشکار خواهد گردید و ما در این اوراق آن نتیجه را منت خواهیم کرد

عجالة عبارات آن بیان نامه را که قسماً تعلق به مسئله امروزی ایران داشت ترجمه نموده دهلاً می نگاریم تا بر بیانات رسمی دولت عثمانی در باب ایران و خیالات او درباره مال احوال آن کشور آگاهی حاصل آید تا چه تدبیری اندیشیده شود و از جمیع فلك حقه باز بام ما چه قرعه در آید .

ترجمه بیان نامه

« دولت ایران که با سه رشته متین ماسد مناسبت دینی و مناسبت همجواری و مناسبت قدیم بدو مربوط و بسته ایم امروز يك بحران شدید میگذراند، با این لازم و واجب میدانیم که تکذیب کنیم افکار و خیالات بعضی از اقسام مطبوعات را که با مقاصد مخصوص نسبت بدولت میدهند. آمال و مقاصد ما همه معطوف بر این است که يك دولت ایرانی مستقل و توانا بر سر وجود بیاید و اداره مشروطه در آن پایه بگیرد و مملکت را رهبر بسوی پیشرفت و سعادت باشد، هر روایتی و هر خیالی که برخلاف این منتشر میسازند دروغ و بهتان صرف است، دولت عثمانی هرگز در قصد تجاوز و استیلا بر مملکت ایران

نیست ، راست است که قسم بزرگی از حدود وسیع ایران و عثمانی در میان دولتین از یکصد سال باین طرف مایه اختلاف است و معلوم است که عشار و قبائل ایران مدتهای مدید تجاوزات باین قسمت اراضی نمودند ، پارچه از همین اراضی عثمانی است که پیش از اعلان مشروطیت برای منع تجاوزات در تحت حفاظت و صیانت عساکر عثمانی گرفته شده است و اکنون نیز در زیر دست محافظت ایشان است در این سمت حدود با وجود اینکه اهالی در هر دو طرف از يك قبیله و عشیره و همه از افراد بودند و مراجعتهای بی دریغ بسبب شورش منمادی واقع شد هیچ تدبیری و تشبیبی برای توسیع دائره اشغال عسکری پس از مشروطیت بکار برده نشد ، چون دواتهای روس و انگلیس بسبب اشتناش داخلی ایران قونسولخانه های خود را بقوه عسکری محافظت میکردند دوات عثمانی نیز چند نفره لشکر برای حفظ شهیندر خانه های خود و تبه خود درخوی و سلباس و ارومی و کرمانشاه فرستاد و الآن در آن موقع هستند، اگر این تدابیر مشروع و ناگزیر را بمعنی آرزوی (استیلا) تأویل و تفسیر کنند و اگر این طرز تفسیر را ما عطف به غفلت از حقیقت و یا به مقصدی مخصوص کنیم مذکوریم

در صورت تأسیس و پایه گرفتن يك حکومت قوی و مقتدر در ایران و در صورت تأمین آسایش در آن سامان انشاءالله ما آماده ایم که مذاکرات منعلق به تحدید حدود را باز از نو آغاز کنیم و در آن صورت اگر جائی را گرفته باشیم که منعلق با نیست حاضریم که تخلیه اش کنیم ، و همچنین در آن وقت اگر به تحقیق بیوندد که دیگر حاجت به محافظت شهیندر خانه ها نیست و آسایش و امن در ایران هست بالطبع آن منزله های عسکری را که برای حفاظت فرستاده ایم پس خواهیم گرفت ، ولی تا مدتی که این حال دوام خواهد کرد مجبوریم که تبه و منافع عثمانی را بتدابیر فعلی نگاه داریم

در این اواخر دولت انگلیس تفریری برای تأمین طرق تجارت در سمت جنوبی ایران بحکومت مشارکین داد ، این مسئله باعث قیل و قال در مطبوعات و تا یکدوجه بسبب تبهات در مملکت عثمانی شد ، تأمیناتی که پس از آن دولت انگلیس

برای تعیین محدودیت طمیت این تقریر قاعده موجب خورسندی ما گردید. دولت روس نیز بارها تا کنون آرزو و نیت خود را در نگاهداشتن استقلال و تمامیت ملک ایران بیان و اظهار نموده است. پس حکومت عثمانی که با این دو دولت معضه بیشتر ازدول دیگر رابطه و علاقه با ایران دارد آرزوهای مشترک دولتهای مذکور را درباره تمامیت ایران قائل خیر میشارد و آرزو میکند که ایران هر چه زودتر از این بهران رهائی یابد.

§

پس از حتم قرائت این بیان نامه چند نفر مبعوث اظهار بعض بیانات نموده و در ضمن آن سخن از ایران بمان آورده تشدید رابطه و تقویت مناسبات دولتین اسلامی را تکلیف به هیئت وزرا نموده از حقوق همدینی و همجواری و دوستی این دو ملت و دولت سخنهای پسندیده سرودند و داد و برداری و مردانگی دادند. جای دارد که ارباب بصیرت و شعور در میان ایرانیان در اینجمله اندکی ژرف بنگرند و به غور این بیانات خوب برسند و تدابیر را از آنرو بکار برند. که پس از این ملکدین پیش از زمانهای سابق بهم متصل و متکی باشند و در سیاست بشه همدیگر دهند. تا انگشت بیگانه که دشمن مشترک طرفین است راه دخول در آنها پیدا نکند و شکاف بدیوار متزلزل اسلام نبندازد که اختلافات متحدت قبایل این دو دولت همیشه با آسانی رفع می تواند شد ولی چون صدق بهیئت جامعه مسلمه و بدائرة ملت موحد رسیده دیگر جاوه آن بیرون از حد امکان است و وقوع چنین حادثه ناگوار و ابع مایه اضمحلال و نابودی دواتین روم و ایران.

(نقل از روزنامه استقلال ایران)

جناب مستطاب . . . آقای حاج شیخ محمد محمد کربلائی خلف مرحوم حاج شیخ زین العابدین حجة الاسلام مازندرانی اعلی الله مقامه را که از اجابه علمای محترم و از واقفین بمواقف عصرنده و سالما در هندوستان اقامت داشته و از اوضاع داخل و خارج شرع و عرف نیکو استحضار دارند بریاست مجلس محترم تمیز انتخاب نمودند. ایشان هم این خدمت را که از خدمات بزرگ ملی است قبول و

اشتنال نموده اند. ما این حسن انتخاب وزرای محترم را عموماً و وزارت عدلیه را خصوصاً تبریک میبنایم و نظر بحسن ظن کامل که بکار ذاتی و دیانت آقای معظم له داریم امیدواریم که وجود ایشان در دائره عدلیه مفتاح اصلاحات لازمه عدلیه و تمیز حق از باطل و جریان امور قضائیه در بحاری خود گردد و اسباب آسایش دعوی زودی فراهم شود.

« از بندر عباس »

بندر عباس بواسطه توجه نایبالحکومه و بودن عده تشنگی مستحفظ کسب امنیت نموده و اهالی از خوف و هراس بیرون آمده بودند ولی تشنگی مستحفظ مواجب میخواست و مخارج دارد. مواجب و مخارج را نیز باید دولت متحمل شود. بدیهی است دولت از طهران پول باری نمیکند که به مستحفظ بندر عباس برساند باید از مالیات خود محل گرفت و خرج نمود.

مالیات بندر عباس و سایر بنادر بر دو قسم است - قسم اول مالیات کرکی است که یومیه آنچه مال التجاره وارد شود چهار ادای گمرک نموده مرخص میبایند. قسم نانی مالیات ملکی مضافات و توابع است. اما مالیات مضافات و توابع که بر حسب معلوم از بندر عباس و توابع که میناب و قشم و شمیرات و خیر و بیابان باشد سی و دو هزار تومان میشود. از این مبلغ مالیات میناب و بیابان و قشم و خیر که بیست هزار تومان کسری میشود وصول و اگر جزئی در محل باقی باشد هم وصول خواهد شد که بموجب اظهار نایب الحکومه تماماً به دریایی حکمران رسیده. مالیات شمیرات نیز تقریباً چار هزار تومان تا کنون وصول شده و ما بقی در محل میباشد که شاید چیزی وصول شود و چیزی بواسطه غارت شدن اهالی از دست انحراف بهارلو احتمال سوخت دارد. زیرا که اهالی بی بضاعت مانده اند و مال و دواب که باید مالیات بدهد بنارت رفته است اظهار نایب الحکومه اینست که تمام مالیات را به دریایی حکمران برداخته و قبض رسیده در دست و از حکمران طلبکارم از این مالیات باقی مانده اگر چیزی وصول شود باید خودم بردارم در مقابل طلبی که از حکمران دارم

مواجب تشنگی را از نامه عموال تاکنون اجازه

گمرک داده یعنی در قبال به دو قره سه هزار باصدا تومان وجه داده و چند یوم قبل نیز مجبوراً مبلغ هشتصد تومان تنگکیها از گمرک بابت مواجب خود شان اخذ نمودند و تنگکی هم حق دارد ، ظاهراً از این بابت مدیر گمرک تلگراف طهران نموده و از طهران امر شده پول ندمت ، چار یوم قبل تلگرافی از جانب دریایی بعنوان نایب الحکومه بموجب ذیل رسید که اعیان و تجارت را حاضر و قرائت شد

(تلگراف دریایی از بوشهر به عباس)

مصباح دیوان - طهران نفس مرا بریدند پول از گمرک نخواه بندر عباس از دست می رود جهنم من از تو مفلوك ترم ، طهران زورشان بمن میرسد ، (سردار احمد دریایی)

شخص با وجدان منصف از ملاحظه این تلگراف چه خیال خواهد کرد لازم عرض نیست ، کنون ملاحظه فرمائید حالت سرحد مهم مملکت و اهالی عباسی چه قسم است ، مالیات دیوانی به جیب حکمران رفته پس نمیدهد . در صورتیکه از تمام مالیات بنادر خلیج فارس که وصول شده يك دينار هم بطهران نرفته است گمرک هم از طرف وزارت جلیله مالیه اجازه پول دادن جهت تنگکی ندارد . شهر هم مستحفظ لازم دارد ، راه به تکلیف نمی بریم ایست حالت بندر عباس و اهالی

مکتوب دزفول

نگارنده چهار سال متوقف دزفول بود - تلگرافخانه این شهر در محله قلعه سکه محل سکونت خانواده مرحوم شیخ محمد طاهراست واقع و قاعدتاً باید این محل بواسطه قرب جوار بسطه عطیه از همه جای شهر در امان و رفاه باشد ، بالعکس دزد خانه عربستان شده ، مخارج بی داخل محال است ناچار اهالی محل باید با انحرار سکونت و دیوگوند همدست شده دهات اطراف را بچابند و حق السکوت بگیرند ، نو جوانان آنها با دزددهای داخلی همدست شده آبادی برای احدی باقی نگذارند مخصوصاً در این یکساله حکومت حاجی فخرالملک بی اندازه شهر و اطراف متقلب شد متجاوز از هزار خانه را بسوزند و غارت اهالی

محله قلعه بردند و قریب دو کروار اموال و احتیاجات دهات را ایلات و عشایر غارت نموده متجاوز از سه هزار نفر از قزاق ، فراوی و متواری شدند تلگرافخانه که از پنجاه سال قبل ملحق شده بود دو سال قبل بحکمرته و ده روز قبل شبانه ریخته باصدا تومان اسباب و امانه حتی پیراهن و چیزهای بی قیمت را غارت نموده بردند ، تمام اهالی شوشتر و دزفول دزدی و شرارت آنها را شاهد و گواهند و انشاء الله دست منتم حقیقی در کار است ولی این اوقات که شاهزاده سلیمان میرزای - - - - - ایالت از طهران آمده و مراقبت مخصوص در انتظام امور ولایت دارد امیدواریم این اغتشاش و خونریزی مبدل بانظام و امنیت شوه

حادثه دبی

هرگز درست بدقت ملاحظه شود امروزه کلیه زحائیکه بشرقیان وارد میشود از حرص و آز و رقابت غریبان است ، این ایام که توجه آلمان باختتم راه آهن بغداد در خلیج فارس شده دولت انگلیس را پیش از پیش مشوش داشته در حفظ نقاطیکه ممکن است محل طمع آلمان واقع شود جداً میکوشند منجمه آن بندر دبی میباشد که ممکن است راه آهن بغداد از کویت منتهی بدبی شود ، ولی چون نزاکت سیاسی اجازه نمی دهد که حقیقت امر را ظاهر دارند بیپناه های دیگر در صدد انجام مقاصد خویش برمی آیند ، این است که حادثه دبی با هم اسلحه قاچاق پیش می آید از چندی باین طرف که بندر تنگه رو بجزایر نهاده بندر دبی رو با آبادی گذارده است - دولت انگلیس بنسبت چنین روزی سالانه مبنی بشیخ دبی میداد و معاهده در خصوص عدم ورود اسلحه نموده بود

دبی اصلاً در خریطه ایران ولی از بی توجهی حکومت استبدادیه رفته رفته از ایران مجزی گردیده میگوبند از چندی باین طرف انگلیس مالیه بحصول برخی امتیازات از قبیل ایجاد پست خانه و سایر ادارات تجارتی در دبی شده و شیخ امتناع نموده است و چون از ایران ما یوس بود در برده زمزمه بسته کی خود را به عثمانی می نمود این امر بیشتر مورت تشویش انگلیس از خانه راه آهن بغداد گردید مصمم از دیار نفوذ خود ثابت در دبی که دهند

چنانچه بی خبر صد نفر سولجر انگلیس در ساحل دین وارد شده بدو بجانه یکی از مشایخ زادگان رفته تلاش نموده اسلحه نیافتند، از آن بعد لشکریان دو دسته شده بنای تلاشی را در دو خانه دیگر نهادند. چون اقدامات بدون اطلاع شیخ بود اصحاب بر آشته بنای زد و خورد شد و از طرفین بسیاری مقتول و مجروح شدند و بقیه سولجرها مجبور شدند انگلیس عودت نمودند. فعلاً جنرال قونسل بوشهر با یک دسته چهارات جنگی وارد دین شده و چهل و هشت ساعت برای قبول تکالیف انگلیس بشیخ مهلت داد و قبل از ختم میعاد شیخ قبول نمود شرایط آن و تکالیفی که بشیخ شده تا کنون معلوم نیست ولی فعلاً خوف زد و خوردی که بود مرتفع گردیده است همین قدر باید گفت که بد بختی شرقیان از رقابت غربیان است

اقدامات عملی دولت ایران

(در بوشهر)

جوابات قولی دولت ایران بر یادداشت سر ادوردگری در اخبارات اشاء و بر احدی مستور نیست. ولی اجوبه عملی دولت علیه که با منتهای نزاکت مراعات شده خیلی قابل تمجید است دولت ایران چنانچه در جرائد اشاعت یافت دو هزار ژاندمری برای محافظه راه بوشهر تا اصفهان در تحت افسران اروپائی برقرار میدارد و یک اردوی ساخلوی و بسیاری هم برای فارس گسیل داشته اند که عده آنها به هشت هزار نفر میرسد حرکت فرمانفرمای فارس آقای نظام السلطنه از طریق پشت کوه و عربستان و بحر به بوشهر معین گردید و حرکت را بتعمیق انداخته تا قریب ختم میعاد یادداشت. و نام استقبال فرمانفرما سردار عشایر با عده از سواران جرار قشقائی و سایر ضباط دشتی و دشتستان و تنگستان و شبانگاره و غیره باجماعتی وارد بوشهر گردیده و عده زیادی هم تفنگچی محلی جمع نموده. ظاهراً باسم پذیرائی از شخص ایالت فارس و باطناً برای اینکه در ختم میعاد القیتم سر ادوردگری دروازه مملکت بی پاسبان نباشد و بدون مانع هر کس بخواهد وارد نگردد. این اقدام دولت که در منتهای نزاکت و خارج از ایراد سیاسی بود خیلی مناسب و مؤثر شد. ظاهراً است هر کس مایل میباشد

وارد در خانه بی مانع شود. ولی همین قدر که مالی دید ولو ضعیف باشد و آهم هر قدر قوی باشد طبیعی است که بی ملاحظه وارد نمیشود، این بود که جنرال قونسل انگلیس مقیم بوشهر رسماً به چهار تبعه خود اعلام داد امنیت طریق بوشهر را و تسلیم نمود عدم ضرورت دخالت دولت مطبوعه خود را در جنوب، ظاهراً است که اگر اولیاء دولت ایران در شمال هم باین تدابیر سیاسی با کمال نزاکت رفتار نموده بودند دولت روس تا این درجه تجری اعتبار نمی نمود و ما این پایه در خروج و دخول قشون خود در ایران خوبترین را بی مانع تصور نمی کرد هنوز تدابیر سیاسی برای دولت ایران موقع خود را نباخته است ایرانیان باید بدانند که تا ترک مرعوبیت نگویند و در راه استقلال وطن همسایگان خود نهمانند که از بذل مال و جان دریغ نمی دارند به تشریف استقلال حقیقی نائل شوند آمد

این نکته را هم نباید فراموش نمود که جنوب از خطه تجاوزات بیگانه در صورتی تواند رست که دولت همراه بقوای مادی و معنوی حافظ آن باشد ورنه اگر بمسلك دیرین رفتار شود و دم را غنیمت دانند امروز نه فردا دوباره همسایه را همان بهانه ها در پیش آمده گمرک تازه برای دولت در فاصله خواهد شد اولیاء دولت راست که بتدابیر سیاسی امنیت جنوب را دائمی قرار دهند و بکندمه قطع همسایه را بنمایند.

امروزه چیزی که وطن خواهان را مشوش داشته همان حکومت دریایی در خلیج فارس میباشد چه این مرد علاوه بر رذالت طبع و ذنات بطرت انگشتر گردان اجنبیان و مانع بزرگ انتظامات خلیج است. همان قسمی که نایب الحکومه او در لنگه دعوت قشون بیگانه را با اجازه وی نمود چه استبعاد دارد که فردا در بندر دیگر قشون بیگانه را وارد سازد. چنانچه اطلاع داریم که پس از منع وزارت مالیه از وجه دادن گمرک به تفنگچی تا درجه اسباب اختلال بندرعباس را فراهم نموده است. عجب خیال خامی است که اولیای دولت با وجود حکومت دریایی انظار سکون و آرامی خلیج را بنمایند. با بودن دریایی در خلیج محال است امنیت قائم و آثار مشروطیت در

۳۰۰ فرسنگ خشک بنادوا برقرار آید

عجب این است که دریایی و نائب الحکومه او میخواهند انکار نمایند که قشون بیگانه را بدون ضرورت دعوت به بندر لنگه نه نموده اند و حال آنکه رسماً جناب سر ادوردگری وزیر خارجه انگلیس تصدیق باین نکته نموده است و تکیه گاه خودش را در مقابل اعتراضات و کلاه پارلمان همین سند نائب دریایی قرار داده است. آیا میتوان تصور نمود که نائب الحکومه بدون استمراج و حکم دریایی چنین سند محکم بامیر البحر انگلیس سپرده باشد؟ افسوس که هنوز اصول تقنینی در امور و مجازات خان در ایران حکم عنقا را دارد، و ره معلوم میگردد خیانتهای دریایی در جنوب از رحیم خان در شمال کمتر نیست، ما با آواز بلند میگوئیم اگر جدی دیگر دریایی حکومت خلیج باقی ماند ایران ما لاک یک جزیره و بندر نخواهد بود و با وجود حکومت این شخص فرستادن ماورین مالیه و نظمی و عدایه بیفایده و نمر است، چنانچه عنقریب که مشغول بکار بشوند خلال امدازیهای دریایی در کار آنها آشکارا خواهد گردید

بوشهر

روز پنجشنبه سیم محرم تلگرافی از آقای تمام السلطنه از بصره یعنی از محرمه تلگراف را به بصره فرستاده بودند (نه اینکه آقای تمام السلطنه بصره بوده اند، زیرا که ایشان از طریق پشتکوه به بندر ناصری و محرمه آمده اند) و جناب حاجی میرزا غلامحسین تاجر کادرونی رسید تقریباً باین مضمون که «مفیت الدوله رسیده یا نه سردار عشاق کجاست منزلی که جای بکشد و بخواه نفر سوار داشته باشد با اطلاع دریایی بگیرد با میل حرکت میکنم جواب فوری، نظام السلطنه»

حاجی میرزا غلامحسین سواد تلگراف را برای آقای دریایی و آقای سولت الدوله و آقای مفیت الدوله فرستاد و جواب داد که هشت روز است

سردار عشاق و مفیت الدوله و سایر کلانتر و خوانین بوشهر میباشند و منزل مهیا میباشد
دو اینجا بعضی مدلول تلگراف را چنین فهمیدند که با میل (قاتو) که جمه وارد بوشهر میشود تشریف می آورند، لذا برای استقبال دریایی و آقای سردار عشاق و آقای مفیت الدوله و جمعی از صاحب منصبان و نجار در (جهاز گیلان) و (استیم تیج) و بکاره نشسته بدویا رفتند. جهاز (قاتو) اول صبح جمه وارد بوشهر و در (ظهر) که باصطلاح بوشهر پشت بوشهر باشد لنگر انداخت این ظهر با خشکی قریب دو فرسخ است لکن لنگر گاه با خشکی قریب یک فرسخ است هر وقت دریا خالی باشد جهاز نمی تواند در لنگر گاه اقامت کند در ظهر می ایستد آقای دریایی از لنگر گاه رانند به (ظهر) برسیدند معلوم شد که در این جهاز بستند و بقاعده هم نباید باشند زیرا که از تلگراف مستفاد میشد که روز دوشنبه هفتم با پست تشریف می آورند، لذا مایوسانه مراجعت نمودند و رای صبح دوشنبه هفتم ورود ایشان هستند، الحمدلله هوا هم صاف است و باران نیست

اسرور ها بوی مشروطه بمشام میرسد زیرا که در جنب پستخانه ایران دیدم دو طرف درب خانه دو چراغ فانوس نصب شده و شب تا صبح روشن است، پرسیدم منزل کیست، گفتند آقای میرزا عبدالله خان رئیس نظمی که یک دو ماه است وارد بوشهر شده و در خانه کلانتر بود حالا در این خانه منزل گرفته که خدمات راجحه بخود را انجام دهد، راهگذری حاضر بود گفت آسوده باشید تا وضع بنادر همین حال قدیم است هیچ اداره جاری نخواهد شد دلیل و شامد قولم انجمن ولایتی است که پس از زد و خورد های و کلاه و دسته بندی و پارتی بازی آخر بسته شد، و انجمن بلدی و اداره بلدی که وقتی حکمران کل در بندر عباسی بود تشکیل یافت و قریب بخواه نفر اجزاء و مبعوث داشت این اوقات

بیمار پنج نفر رسیده ایشانهم در گریز و عنقریب
 بسته میشود. صرفه بطرف اداره مالیه است که
 چند ماه است پیشکار آن آمده میخواهد معنی آبه
 وافی هدایه ربالمشارق والمغرب را دوست ملققت
 شود که هر روز آفتاب از نقطه طلوع و به نقطه
 دیگر غروب میکند و این بیچاره از شدت بیکاری
 همراه طلوع و غروب سیر میکند و یقین دارم حالا
 موجهای برابر منزل خود را هم شمرده که از صبح
 تا عصر چند عدد موج دریا در توج و به خشکی
 منتهی میشود، لذا ماور نطمیه خوبست همین تنظیمات
 را سر مشق قرار داده بیخیال باشد

البته از انقلاب (دو) که نزدیک بندر لنگه
 میباشد خبر دارید مختصرش این است که چند نفر
 از جہاز جنگی انگلیس که آدیرال بزرگ در
 او بوده بجهت تعین اسلحه به (دو) پیاده
 میشوند هر چه شیخ دو میگوید اینجا اسلحه
 نسبت عقب نکند جاره نمی شود گویا به خانهای چند
 نفر کاوش میشود که اعراب میزند چند نفر را
 مجروح و مقتول میکنند و از جہاز هم میزند قریب
 چهل نفر از اعراب تلف میشوند. حالا بالیوز و شهر
 و آدیرال مجدد رفته اند به (دو) تا چه نتیجه
 بخشد از این حمله امروز که اول صوری و عید
 است در بالیوز گری بوشهر رسماً نه نشسته اند
 که کسی دیدن کند زیرا که بالیوز بزرگ حاضر نیست
 مردم در این مقدمه خیلی محبتها میدارند لکن
 هنوز کسی را عقیده کامل طاهر نشده که با شیخ
 (دو) با اینها چه خواهد شد خداوند جمیع
 امورات باصلاح آورد

حکومت نادر در این چند روزه قریب پانصد
 نفر تنگی زیاد کرده که مبادا فیما بین اترک و
 اهل شهر و غیره نزاعی شود فعلاً گوشت نایاب
 است که بزحمت هم بدست می آید، لکن شهر و
 توابع امن است باران خلیل عسکرات را به چکه
 انداخته که بعضی خانه ها محل سکنا ندارند و

بعضی خانه ها ریخته و خراب شده لکن موا ملایم
 است بر عکس شیراز که نوشته اند از شدت سرما
 مردم از قوه کار افتاده هیبه و ذغال گران و کم
 شده اغلب هیزمهای باغی را میسوزانند

اهم وقایع بوشهر

بهترین مژده که میتوان مایه امیدواری و مسرت
 ملت خواهان تصور نمود همانا حصول امنیت و
 انتظام طرق و شوارع فارس از بوشهر تا شیراز
 است این موهبت از برکت اتصاف و اعمال جدیه
 هیئت کابینه جدید شناخته میشود و می نماید که امناء
 دولت با در دائره اعمال صحیحه نهاده اند و مرض
 بارتی بازی نامشروع تخنیف و مرکز مملکت رو
 بصحت نهاده است، از این رو در همین هفته که
 مطابق با اوایل جنوری سال سنه ۱۹۱۱ و اول
 محرم سنه ۱۳۲۹ می باشد از طرف قونول خانه
 انگلیس بمجمیع تجار خارجه (رطایب انگلیس و
 بستگان ایشان) اعلان صادر گردید « که راهها
 مامون و دولت علیه ایران ضامن خواهد بود با
 کمال اطمینان حال التجاره محل نماید » این اعلان
 سفارشی در واقع تصدیق دولت بریه انگلیس بر
 کامیاب و قدرت دولت علیه ایران در حفظ و
 تامین طرق و شوارع می باشد، امیدواریم که ایام
 اغتشاش و نا امنی که ناشی از اختلاف بزرگان و
 اشاره بعضی متنفذین بود بواسطه جهت اعمال مراکز
 و ورود جناب نظام السلطنه و دولت خواهی حضرت
 سردار عشایر صولت الدوله سپری گردیده بهار راحت
 و امنیت در اهتزاز و رعونت و شایب در آید

دولت خواه عبور حضرت سردار عشایر
 صولت الدوله یک هفته است با استعداد وافی در
 بوشهر بر ایستاد استقبال نظام السلطنه متوقف هستند
 جنابش نسبت بعموم کمال رافت و غالب مجالس و
 کلیه مذاکرات از سیاسیات و حفظ مملکت و انتشار
 قانون و بسط معدلت و آسایش رعیت و ملت بوده
 است، برخلاف مشهور، خلیل خوش محضر و واقف

و هوشیار و وجودش در میان ایل مانند دوشاموار
 یکدانه در بیابان است، بهترین لطفی که از ایشان
 تراوش نموده این است (از هنگام بروز یادداشت
 دولت انگلیس بدولت علیه ایران تا کنون از
 کثرت اندوه و فکر غالب شهبها در خواب خود را
 در میدان دفاع می بینم) و این حالت نیست مگر
 از کثرت اشتیاق محض استقلال مملکت و استعمار
 بر کال ذلت و خواری بزرگان در صورت مغلوبیت
 غالب روز ما جناب دریایی بملاقات ایشان
 نائل و با کمال رافت و بشاشی در خیر مملکت و
 طریق عود امنیت و اطهار حسن اتفاق با عموم
 بزرگان و تأیید دولت می نمایند این اولین وقت است
 که بزرگان و سرداران دولت مابعد سرداران ملل منمده
 نسبت بیکدیگر رفتار می نمایند امپدواریم در آتیه
 من از این الفت و اتحاد بین عموم مأمورین دولت
 ظاهر گردد، در این مدت توقف این استعداد و
 سوار و تفنگچی زیاد امنیت و آسایش حاصل است
 و از هیچیک از خواص دشتستان که غالباً با هم
 متخاصم هستند جرأت تخلفی از حدود خود نکرده
 اند و از قرار تلگرافی که دریایی رسیده جناب
 نظام السلطنه با یکصد و بیجا سوار با جهاز ایل
 روز دو شنبه هشتم محرم وارد بوشهر خواهند شد
 (بلخیه و شهر)

جناب آقا میرزا عبدالله خان اعتقاد حضرت
 که از بازیافتگان و تربیت شدگان و بکرات عیدیه
 امتحان منت خواهی داده و بواسطه عبرت و شهادت
 جبلی در این دوره خیلی صدمات از مستبدین دیده
 ریاست نظمی بوشهر وارد گردیده اند تا هنوز مانند
 رئیس مالیه اقدایی از وی ظاهر نگشته همینکه از
 ایشان عملی که موجب اعتلاء دولت و آسایش ملت
 باشد ظاهر شد برای چشم روشنی عموم ملت خواهان
 انتشار خواهیم داد

(جبل المتین)

صحت اعمال اداره مالیه و اداره بلخیه و اداره
 نظمی اگرچه منوط بعلم و اطلاع و کفایت مأمورین
 رئیس آن اداراتست ولی تا وقتیکه مالیه در دست
 دریایی است و امور را کاملاً بایشان تفویض
 نکرده و قلباً مایل به اصلاح دولت نباشد بکقدم

برای ایشان پیش رفت حاصل نخواهد شد و ما
 گمان نداریم دریایی از اعمال ادوار سابقه و
 سستی و رخاوت دست بر داشته سوء رفتار را
 مبدل بحسن کردار نماید و حسن ظن عموم را
 بخود متوجه سازد

ترجمه از اخبارات لندن

وکالت روتر در لندن مطلع شده که تاغراف
 های رسمی از دولت ایران دیروز رسیده اقداماتی
 که راجع بحضرت شده شرح میدهد، در این
 تلفراف ها وزیر زاده مدیر وزارت خارجه اظهار
 میدارد که اخبار جدیدی که از جنوب رسیده مابعد
 کمال خوشوقتی است راهها باز و کاروان با امنیت
 در تردد است و نظام السلطنه حاکم جدید فارس که
 فعلاً رو بشیراز میرود در راه است. مجرد ورود
 بشیراز اقدامات لازمه در تهیه و ترتیب قشون محلی
 و امنیت و انتظام خواهد نمود دولت ایران مصمم شده
 که چند نفر از صاحبان اربابان برای کمک در این
 مأمور مستخدم نماید و نظام السلطنه مخصوصاً برای
 این انتخاب شد که فودی درخوب دارد و صاحب
 املاک زیاد است در آتیه، و نظام السلطنه ده
 هزار قشون منظم در تحت حکم خود خواهد داشت
 که شش هزار آن از طهران رو بشیراز در حرکت
 است و همه آنها قشون مرتب نظامی است و دو
 هزار از این قشون ریاست قاتل ملک است که جنیدی
 در اصفهان ریاست قشون را داشت

و دولت ایران بز خبر میدهد که صولتالدوله
 رئیس ایل قشقایی مأمور و همراهی و شراکت دو
 انتظام و امنیت راه شیراز و بوشهر و اصفهان
 شده و فعلاً مشغول اقدامات است

صولتالدوله با چهار صد تفنگچی و جمعی سوار
 از طایفه خود مشغول انتظام راه است و دولت
 ایران قسمت قرضیکه که فعلاً مورد مذاکره است
 صرف استقرار انتظام در جنوب خواهد کرد و آنچه
 ممکن است برای حفظ امنیت جنوب بعمل بیاورد

قابل توجه وکلاء ملت و انباء دولت
(خصوص وزارت جلیله داخله و مالیه)
(نگارنده بفرضی مینویسد)

آنچه مشاهده شده اوضاع اداره گمرک بندر
لنگه هرج و مرج و سالیانه میلیونی کالی ضرر بر
دولت و ملت وارد می آورد چون امروزه هر دینار
ضرری که بر مالیه دولت وارد آید باید به ملت
میباشد و بنده نیز یکی از ملت ایران و لازمه هر
کردی دفع ضرر از خود و انشاء وطن خود
میباشد و روزنامهجات حق گوی آزاد زبان ملتند که
مطالب را با اولیای امور رسانند علی هذا مزاحمت
و وزیدم. بدین است که بندر لنگه اغلب مقیمین آن
عرب اند و شرب قهوه در بین عرب معلوم است
چنانچه شرب چای در بین اهالی ایران و اهالی
لنگه احتیاج قهوه و چای و فلفل و زرد چوبه
دارند. ولی جای حیرت است که اشیاء فوق را از
کجا وارد می نمایند در خود ایران که ممکن نیست و
اینگونه محصولات نداریم لاعلاج باید از خارجه وارد
شود در صورت ورود از خارجه هم باید در
اداره گمرک تحویل داده صاحبان اموال بر حسب
قانون گمرکی بعد از ادای گمرک بموجب جواز
گمرکی اموال خود را مرخص نموده از گمرک خانه
خارج و وارد تجارت خانه خود نموده بمصرف
برسانند. ولی متاسفانه ملاحظه میشود که در مدت
دو سه سه یک ظرف قهوه یا چای یا فلفل یا
زردچوبه در جوازات مرخصی مال التجاره از اداره
گمرک مشاهده شده و نخواهد شد. مدیر با تدبیر
اداره گمرک نیز هیچ خیال نمیاید که این همه
اشیاء مفصله فوق که در لنگه استعمال میشود به علاوه
از پارچه های زری و ابریشمی نیز که لباس اهالی
است و بکلی در جوازات گمرکی اسمش ثبت یافت
میشود از کجا وارد لنگه میشود. آیا از آسمان فرود
آمده و یا از زمین روئیده. خیر از هیچ کدام نیست
بنده بعض استحضار خاطر اولیای امور توضیح
میدم و از این قرار است. اولاً اشیاء مفصله
فوق از خارجه با جهازات آتشی وارد لنگه
میشود تحقیق این مطلب از (من آفیس) که وکیل
جهازات با اداره گمرک میدهد آسان است. پس از

ورود بگمرک خانه تجار هضم این اشیاء مذکوره
هر کدام هرج دارند باسم عربستان با جواز
(رئیس) یعنی حل به مملکت دیگر باداییه هریک
ظرف بجشای حق گمرک از گمرک مرخص نموده
در جهازات بادی کوچک باسم عربستان حل
مینمایند. جهاز مذکور نیز طرف عصری از لنگه
سفر میناید و منتظر است که شب شود. همین
که شب دست داد و تاریکی فراگرفت ناخدای جهاز
بر حسب دستور العملی که دارد جهاز را مراجعت
به لنگه میدهد و در هر نقطه که فرار شده لنگر
میناید. صاحب مال نیز از قرار داد خود مطلع
و از سابق با مستحفظین گمرک خصوص رئیس تنگی
های گمرک ساخته و حق السکوت تقدیم نموده بعض
ورود جهاز صاحب مال را خبر نموده همان شبانه
اشیاء که جهه عربستان حل نموده بانبار تجارتی خود
میرساند و بند متدرجا بمصرف فروش میرسد

فانی آنکه بعض دیگر اشیاء مذکوره از بعضی
حل (دوب) مینمایند و از دوی وکلاء ایشان
با جهازات بادی حل لنگه نموده با دستور العمل
لازمه که بناخدای جهاز میدهند که باید در وقت
شب در فلان مکان لنگر نهان و این اشیاء نازل
مکنی آن هم بعض ورود جهاز هر کدام از
مستحفظ گمرک باشند چون دندان شان کند یا دهن
شان شیرین شده فوراً صاحب مال را خبر نموده و
همان شبانه اشیاء مذکوره قاچاقی را وارد منزل خود
میناید و بعد می فروشد

هرگاه اولیای امور اقدامی فرمایند و راه این
تقلب را بگیرند سالیانه مبلغ کالی و گمرک لنگه
افزوده خواهد شد و جلوگیری این تقلب را هم
ممکن نیست مگر بفرستادن يك نفر متش این وطن
خواه که دندانش کند نشود و مدال داشتن این
مطلب به تمام اجزاء و اداره گمرک که اینگونه
مال التجاره از گمرک لنگه باداییه گمرک خارج
نشده و تبدیل جمیع اجزاء گمرکی از رئیس و
مرؤس خصوص رئیس تنگی ها که محافظت خارج
از گمرک خانه در تحت مراقبت ایشان است و اگر
غیر از این باشد مشکل است. در عالم دولت و ملت
خواهی عرض شد

(جل الثمین کلکتہ)

(منڈیکل کالج استریت نمبر ۴)

HABIBUL MATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

(کلیہ امور ادارہ با)

(مدیر کل ، مؤید الاسلام است)

(ہر دو شنبہ طبع)

(ہر دو شنبہ توزیع میشود)

(ہر دو ، شنبہ)

(۲۸ محرم الحرام ۱۳۲۹ ہجری)

(مصاد با)

(۳۰ جنوری ۱۹۱۱ میلادی)

و بلا حق اخذ ایرون بدون قبض تدارک و وقایع
(مشترکین را قصص مخصوص سال ہر چند ہم دست نہاند)
(ذمہ خان روی فنانختہ نمیشود)

(قیمت اشتراک)

(سالانہ — شش ماہہ)

(ہند و برہمہ)

(۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(عمانی و مصر)

(۵۰ مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(۳۰ فرنک — ۱۶ فرنک)

(روس و ترکستان)

(۱۰ منات — ۶ منات)

سنہ ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

(معروف ادارہ درج نمیشود)

نامہ مقدمہ

الملتانیک

در این جریدہ از ہر گونہ اخبار و وقایع سیاسی و سماجی و ترقی و فواید متقی بحث میشود
(مقالات عام المنفعہ مقبول و در انتشارش ادارہ آزادست)

تمرکز قوای ملی

ام ضروریات ایران اتحاد و تمرکز قوای ملت است حیات استقلال ابرائ منوط باین اتحاد و تمرکز قواست ایران تا کنون هیچ چیز خود را نباخته جز اتحاد ملی خویش را ، خارجیان بر ایرانیان استیلا نیافتہ مگر بواسطہ نفاق و مناقشات شخصی شان ، امروز ہم اگر ایرانیان ترک ضائق کفنیہ و دست اتحاد بیکدیگر دهند بچوبی میتوانند کلیم خود را از آب بکشند ، ایرانیان نباید از اوضاع طبیعی و پیش آمد امور سیاسی خود چندان ناواض باشند جہ درد در خود و دوام در خودشان است ، دردشان نفاق و درایشان اتفاق است ، با نفاق قطعاً طوق عبودیت اجانب را بگردن خواهند انداخت ، و با اتفاق میتوانند تمام موانع ترقی را رفع نمایند ، ولی باید دانست کہ فقط بکفین اتحاد کار ما انجام نمیگیرد و لفظ سلوا دمان را شیرین نمیکند اتحاد قوی بوج و بی ہودہ و اتحاد عملی لازم است ، حضرت نایب السلطنہ و مقام منبع ریاست روحانی اسلام ذمہ دار چنین اتحاد عملی اند ، و بروگرام این اتحاد را کہ ہم فعلی باشد و ہم دارای حسن عمل واتر ، باید نایب السلطنہ و مقام منبع ریاست روحانی اسلام ترتیب دهند ، تمام رؤسای ایلات و ارباب نفوذ ، عالم ، شاعرانہ ، تاجر ، کاسب ، شاعران ، قشقای ،

بختیاری ، و پشت کوی حق رؤسای ایلات کوچک راہم شامل نموده ہم قسم ساخته شروع بعملیات نمایند واحدی را سراغ نداریم کہ ازین گونہ اتحاد سرچی نماید مشروط براینکہ این اتحاد دارای فعالیت باشد و از لغافلگی صرف نظر شود ، درین صورت هیچ چیز مانع اجرای عملیات آن نتواند گردید ، صد نفر از ارباب نفوذ از کلیہ ابرائ کہ شامل درین اتحاد شوند در پیش رفت مقاصد کافی تصور می شود این اتحاد چنانچہ اشارہ کردیم دوش شرط اساسی باید داشته باشد اول دخالت غیر رسمی حضرت نایب السلطنہ و رؤسای روحانی اسلام تا پایہ اعتماد و امیدواری عامہ طبقات تواند گردید ، دوم دارای پروگرامیکہ هیچ شایبہ غرض و شخصیت در او نرود و جز استقلال ایران و حفظ بیضہ اسلام منظوری نداشته باشد

والا حضرت نایب السلطنہ

تعویق حرکت حضرت نایب السلطنہ تا درجہ پایہ بیصبری عامہ ملت گردیدہ بود ولی واقعات رموز میدانند این تعویق را دو علت بودہ ظاہری و باطنی ، ظاہریش ہائیکہ در اخبارات اشاعت یافته و در تلگرافات اعلان شد سکہ علت مراجع فرزند دلہند شان بودہ ولی سبب باطنیش اصلاح بعض امور بود کہ یقیناً در خارجہ بطریق غیر